نسیم جنوب

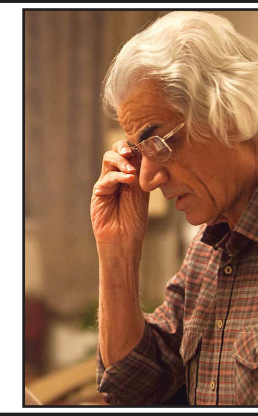
www.nasimjonoub.com

سال شانزدهم - شماره ۷۲۷ - یک شنبه ۴ اسفند ۱۳۹۲ - ۸ صفحه - ۵۰۰ تومان

استاندار در نشست با هنرمندان بوشهری:

اجرای گروههای موسیقی دارای مجوز، در استان بوشهر بلامانع است

صفحه ۲



نگاهی به دنیای شاعری علی باباچاهی

باباچاهی در وضعیت دیگر

صفحه ۴

نگاهی به شرایط اکران اولین ساخته سینمایی سیدرضا صافی

بالابان، ضیافت سینمایی هنرمندان بوشهری برای دوستداران طبیعت





بزرگواری که نشان از جدّش رسول خدا (ص) داشت

در سوگ حجت الاسلام سید محسن پورفاطمی

صفحه ۸

سالاری در نشست با هنرمندان بوشهری:

اجرای گروههای موسیقی دارای مجوز، در استان بوشهر بلامانع است

استاندار بوشهر در نشست صمیمی با جمعی از هنرمندان استان پس از استماع اظهارات آنها، با بیان اینکه از مدتها پیش به فکر برگزاری جلسه ای با هنرمندان بودم، افزود: به دلیل برخی مشغله ها قسمت نشد زودتر از این جلسه را برگزار کنیم، اما هر روز شما هنرمندان در ذهن من بودید.

به گزارش "بُنا"؛ سالاری گفت: شما سرمایه های اجتماعی استان هستید و حتی در مواقعی که در محدودیتهائی به سر می برید بی تأثیر نبودید، بنابراین تمام تلاشمان را می کنیم تا بتوانیم برای تقویت قشر هنرمند آنچه که در توانمان است انجام دهیم.

وی با بیان اینکه وظیفه ام اینست که صادقانه سخن بگویم، خطاب به هنرمندان گفت: اگر خودتان برای برداشتن موانع منسجم شوید و حرکت کنید، بنابراین ما را هم به تحریک وا می دارید و در جاهائی هم می توانیم با شما ابراز همدردی کنیم.

استاندار بوشهر تأکید کرد: نارسایی یک هنرمند را نباید به پای او نوشت، بلکه باید به پای کسانی نوشت که با کارکرد نادرست خود این نارسایی را به وجود آورده به همین دلیل کار کردن یا فعالیت نکردن شما یک پیام برای جامعه است. سالاری ادامه داد: نیاز است در حوزه هنری پیشگام شده؛ چرا که اگر دولت برای شما برنامه ریزی کند قطعاً مطلوب شما نبوده و ما از همه کسانی که خارج از مسئولیت دولتی دغدغه جامعه را دارند دعوت کرده و از آنها می خواهیم با برنامه آمده و ما را در این مراحل کمک کنند و مطمئن باشید که اگر کسی با دست پر بیاید بسیار استقبال خواهیم کرد.

از هیچ گزینه ای برای مدیرکلی ارشاد حمایت نکردم

سالاری همچنین در بخش دیگری از اظهاراتش در واکنش به اعتراض دو هنرمند در خصوص مطرح شدن نام "دکتر حمیده ماحوزی" برای مدیرکلی ارشاد استان گفت: مدیرکل ارشاد را وزارت ارشاد تعیین کرده، اما در این زمینه با ما مشورت می کند. در این حوزه چهار گزینه برای مصاحبه انتخاب شده و یکی از آنها در این مصاحبه موفق شده و من از بین این چهار نفر هیچکدام را به دیگری ترجیح نداده ام. وی یادآور شد: حتی برخی از این افراد به من زنگ زده و تأییدیه مرا برای انتخاب گزینه مورد نظرشان خواستند، اما من این کار را عادلانه ندانستم.در هیچ حوزه ای کسی که سابقه ای ندارد هرگز به وزارتخانه توصیه نمی کنم که مدیرکل بشود؛ چرا که برای انتخاب مدیران معیارهائی دارم. وی گفت: برای برخی ادارات حتی ۶ گزینه برای مصاحبه به وزارتخانه ها رفته اند که بنده هنوز اظهارنظری نکرده ام. استاندار بوشهر افزود: در انتخاب هر مدیری اختلاف نظرهای بسیاری وجود دارد و در حوزه هنرمندان دو طیف روزنامه نگار و هنرمند وجود داشته که هرکدام گزینه های خاص خودشان را داشتند، اما اینکه یک گروه بگوید آن گزینه ای را که من می خواهم باید مدیرکل شود با ذات هنرمند نمی خواند.

تحت تأثیر هیچگونه طوماری قرار نمی گیرم

وی در واکنش به یک هنرمند جوان که مطرح کرد "ما برای مدیرکلی ارشاد استان گزینه مطلوبی از میان اهالی فرهنگ و هنر داشتیم و حتی تا وزارتخانه هم رفتیم و طوماری را نیز به حمایت از ایشان تهیه و بدست شما رساندیم، اما اقدامی نشد، تصریح کرد: من تحت تأثیر هیچگونه طوماری قرار نمی گیرم؛ چرا که مطمئنم اگر طوماری با هزاران امضا بیاید حتماً با سازماندهی بوده و این روشها مفهوم خاص خود را دارند.



عکاس:سیدخلف هاشمی www.ostb.ir

از هنرمندان غیر بومی در برنامه های ادارات استفاده نشود

وی ادامه داد: از مدیران دستگاههای مختلف اجرایی می خواهم حدالامکان از هنرمندان خارج از استان برای برنامه هایشان استفاده نکنند و در مقابل از هنرمندان می خواهیم این موضوع را عیب ندانسته و به میزانی که هنرمندان استان بوشهر به جاهای دیگر می روند آنها هم از هنرمندان خارج از استان استفاده کنند، اما آنچه که خود دارند را در اولویت قرار دهند. استاندار بوشهر گفت: من گذشته را در ذهن خودم تحلیل می کنم، اما هیچ گاه آن را به زبان نمی‌آورم؛ چرا که این مهم خیلی رایج شده که از گذشته ایراد گرفته و آن را تخریب کنیم و من این موضوع را اصلا خوب نمی دانم و سعی می‌کنم این ایرادات گذشته را آسیب شناسی کرده و مانع از گسترش آن شوم.

گروههای موسیقی دارای مجوز، اجرایشان در استان بلامانع است

سالاری در پایان در پاسخ به سئوال یک هنرمند که پرسید تکلیف موسیقی محلی بوشهر چه می شود؟، گفت: کسی که از دولت جمهوری اسلامی مجوز دارد هیچ دلیلی برای محدود بودنش نیست.وی افزود: هیچ کسی حق ندارد با سلیقه و تفسیر شخصی اش، دیگران را محدود کند و اگر ایرادی هم وجود دارد دولت آن را تشخیص می دهد.

وی یادآور شد: حتی در یکی از مراسمات هنگامی که یک گروه موسیقی محلی بوشهر برای اجرا آمد نشستم تا همه بدانند از موسیقی محلی حمایت می کنم.

وی در پایان گفت: گروههایی که در چارچوب قانون فعالیت می کنند حتماً به فعالیت خود ادامه داده و من نیز از این گروه‌های موسیقی حمایت کرده و آنهایی که مجوز خود را ثبت کرده اند در استان اجرایشان بلامانع است.

معرفی فرماندار جدید دشتستان:

توسعه متوازن دشتستان را در دستور کار دارم

در آئینی با حضور مسئولان، ارسلان زارع به عنوان فرماندار دشتستان معارفه شد.

فرماندار جدید شهرستان دشتستان در این آئین اظهار داشت: خدمت به مردم یک توفیق است که نصیب ما شده است و باید از این امانت که امروز در اختیار ما است به خوبی استفاده کنیم و قدر این فرصت را بدانیم.

دکتر ارسلان زارع اضافه کرد: از همه افرادی که زمینه را برای خدمت من در این مسئولیت فراهم کردند تشکر می‌کنم و امیدوارم بتواند پاسخگوی این حسن اعتماد استاندار بوشهر و وزیر کشور باشم.



عکاس:سیدخلف هاشمی www.ostb.ir

وی ادامه داد: توسعه متوازن دشتستان را در دستور کار داریم و تلاش می‌کنیم تا با اجرای دقیق برنامه‌ها و توجه به قوانین و مقررات در راستای پیشرفت هر چه بیشتر این شهرستان گام برداریم.

فرماندار دشتستان خواستار همکاری و تعامل و همراهی و اتحاد همه مسئولان برای توسعه شهرستان شد و بیان داشت: همه تلاش خود را برای بهبود شاخص‌های فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی و امنیتی دشتستان به کار خواهیم گرفت.

وی همچنین به قرار گرفتن در آستانه ایام نوروز اشاره کرد و بیان داشت: از همه مسئولان ستاد تسهیلات سفرهای نوروزی می‌خواهیم که برای آماده‌سازی شهرستان تلاش کنند.

در این آئین ضمن تقدیر از تلاش‌های علیرضا خرمی، دکتر ارسلان زارع به عنوان فرماندار جدید شهرستان دشتستان منصوب و معارفه شد و حکم خود را از دست استاندار بوشهر دریافت کرد.زارع سابقه معاونت فرمانداری شهرستان دشتی و همچنین فرمانداری شهرستان دیر در دولت اصلاحات را در کارنامه خود دارد.

انتقاد شهردار بوشهر از اداره راه و شهرسازی:

در اداره راه و شهرسازی سنگ اندازی می کنند

شهرداری بوشهر ۶۷,۳ میلیارد تومان بدهکار است

شهردار بندر بوشهر می گوید: ۶۷,۳ میلیاردتومان بدهی داریم و با دشواری زیاد حقوق کارمندان را پرداخت می کنیم.

به گزارش «خلیج فارس»؛ سعید آزادشهرکی در نشست علنی شورای شهر بوشهر که به طرح مشکلات شهروندان اختصاص داشت، این مطلب را در پاسخ به یکی از طلبکاران شهرداری بیان کرد.

در این جلسه تاج دینی شهروند بوشهری که سال ۸۸ ملکش را به شهرداری واگذار و زمینه بازگشایی گذری کنار پارک نسترن را فراهم کرد، گفت: با گذشت ۴ سال از مصالحه با شهرداری، یک ریال طلب بنده پرداخت نشده و هربار که به شهرداری مراجعه می کنم، مسئولان مالی عدم تخصیص بودجه را بهانه می کنند. وی افزود: بنده نماینده دو برادر و خواهر دیگر هستم که رضایت آنها را برای مصالحه با شهرداری و واگذاری منزل مان نه با نرخ روز که با قیمت موردتایید دارایی جلب کردم، اما با ادامه تاخیر در پرداخت این مبلغ، روز به روز از ارزش این پول کم شده و امروز حتی نمی توانیم ۲۰۰ متر زمین در تنگک خریداری کنیم. پس از این اظهارات، شهردار بوشهر گفت: ملک این شهروند واگذار و گذر هم بازگشایی شده، از این رو حق و حقوق شما باید پرداخت شود، اما اگر قول امروز و فردا دهم، واقعیت را نگفته ام. سعید آزادشهرکی گفت: شهرداری بوشهر ۶۷,۳ میلیاردتومان بدهی دارد که اسناد آن هم موجود است، طوری که با زحمت حقوق کارمندان را پرداخت می کنیم. حتی برخی پروژه ها نظیر کف سازی ساحل مقابل ساختمان شورا را هم به شکل امانی انجام داده ایم تا در هزینه ها صرفه جویی شده و فشار کمتری به بنیه مالی شهرداری وارد شود. آزادشهرکی به این شهروند گفت: قرار است واحد املاک شهرداری لیست همه مطالبات شهروندان در این حوزه را جمع بندی کرده و سپس با اولویت پرونده های قدیمی تر، نسبت به پرداخت آنها تعیین تکلیف خواهد شد.

چرا راه و شهرسازی سهم زمین های شهرداری را نمی دهد؟

رییس کمیسیون عمران و خدمات شهری شورای شهر بوشهر نیز در این جلسه گفت: بخش عمده بدهی ۶۷,۳ میلیاردی شهرداری مربوط به شهروندانی است که طی سالیان گذشته املاک شان در گذر عمومی قرار گرفته و آن را به شهرداری واگذار کرده اند، اما هنوز مطالبات شان پرداخت نشده است.



نصرالله اسدی گفت: دلیل اصلی این مشکل اداره راه و شهرسازی است که سهم قانونی ۱۰ درصدی شهرداری از زمین هایی که تفکیک می شود را نمی دهد که انتظار می رود آزادشهرکی در این خصوص پیگیری جدی تری انجام دهد.

اسدی افزود: این مشکل در شهرک تازه تاسیس نیایش هم دیده می شود، طوری که ۱۰ درصد اراضی آن معادل ۵۷,۳ هکتار باید به شهرداری واگذار شود، اما مشخص نیست چرا می خواهند این سهم قانونی شهر و شهرداری را به جای دیگری بدهند؟

وی با بیان اینکه دو بار در شورای چهارم در این خصوص از راه و شهرسازی انتقاد کرده ام ولی پاسخی نداده اند، افزود: این اداره سهم قانونی ۱۰ درصد زمین های تفکیک شده را به شهرداری نمی دهد که دود آن به چشم شهروندان می رود، طوری که مانع بازگشایی گذرهای جدید و اعطای زمین معوض به شهروندانی می شود که زمین شان در طرح قرار گرفته است.

سنگ اندازی در اداره راه و شهرسازی برای پرداخت حق شهر

پس از این اظهارات، شهردار بوشهر گفت: از زمان تصدی این مسئولیت یکی از اولویت هایم گرفتن حق ۳۰ ساله شهرداری از اداره زمین شهری سابق و راه و شهرسازی کنونی است که قبلا در این خصوص در صحن علنی شورا توضیحاتی ارائه کردم و البته گلایه مندی مسئولان آن اداره را هم در پی داشت.

سعید آزادشهرکی افزود: با این حال به منظور پیگیری سهم شهرداری از زمین های شهری به دفاتر ثبت نامه نوشته و درخواست توقف ثبت واگذاری املاک اداره راه و شهرسازی را داده ایم.

وی با بیان اینکه صفایی مدیرکل راه و شهرسازی به زیرمجموعه اش دستور پیگیری درخواست های شهرداری را داد، افزود: اما با وجود حسن نیت وی، همکاران ما ۱۱ بار با دست پر و مستندات کافی به این اداره مراجعه کرده اند، اما مسئول مربوطه هر ۱۱ بار جلسه را برهم زده و آن را لغو کرده است.

آزادشهرکی افزود: بی توجهی به سهم شهرداری در زمین های شهری را به دستگاه قضایی منعکس کرده و رای به نفع ما صادر شد، اما بنا به سیاست دولت در خصوص عدم شکایت دستگاههای اجرایی از همدیگر، اجرای حکم را مسکوت گذاشته، ضمن اینکه صفایی قول داده پس از بازگشت از سفر خارج استانی اش این موضوع را پیگیری کند.

وی افزود: یکی از نیروهایی که در اداره راه و شهرسازی در خصوص حق شهرداری سنگ اندازی می کرد جابجا شده، اما مشکل تراشی یک مسئول دیگر هنوز ادامه دارد که مدیرکل این اداره قول داد در بازگشت به بوشهر با وی برخورد کند. البته بنده معذورم که اسامی آنها را در این جلسه ذکر کنم.

شهردار بوشهر ابراز امیدواری کرد: پیگیری هایی که برای گرفتن حق ۳۰ ساله شهر از اداره راه و شهرسازی آغاز شده به نتیجه برسد تا دست شهرداری برای بازگشایی معابر جدید و اعطای زمین معوض به شهروندانی که با ما مصالحه می کنند، باز شود.

در این جلسه برزگرزاده رییس شورا نیز از عدم پیگیری مشکل شهرداری با اداره راه و شهرسازی در دستگاه قضایی تشکر کرد و گفت: با توجه به درخواست دولت و تاکید استاندار مبنی بر حل اختلاف دستگاههای اجرایی از طریق تعامل یا پیگیری موضوع در استانداری، انتظار می رود حق و حقوق شهر در همین مرحله ایفا شود.

فعال شدن گردشگری دریایی در استان بوشهر مدنظر است



مدیر کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان بوشهر گفت: این سازمان توجه به فعال شدن صنعت گردشگری دریایی را در مناطق ساحلی این استان در اولویت برنامه ها قرار داده است. به گزارش ایرنا، محمد ابراهیم فروزانی در جمع مسوولان کمیته های تسهیلات سفر شهرستان گناوه افزود: با برنامه ریزی لازم می توان از گردشگری دریایی بیش از بخش های دیگر برای ارزش افزوده و رونق و توسعه اقتصادی استان بویژه بنادرساحلی ازجمله شهرستان گناوه بهره گرفت. وی اظهارکرد: شهرستان گناوه نباید تنها ازطریق عرضه محصولات خارجی در کشور مطرح باشد بلکه باید ظرفیت های برتر دیگر آن نظیر ساحل زیبا و صنایع دستی معرفی شود. وی با اشاره به این که براساس دستورالعمل جدید عنوان ستاد تسهیلات سفر به ستادهماهنگی خدمات سفر تغییر یافته، گفت: براین اساس، ستاد نه تنها در ایام نوروز بلکه در همه فصول سال بر مبنای شرح وظایف تعیین شده برنامه ریزی و فعالیت می کند. وی گفت: باید تلاش کنیم تا از ورود مسافران و گردشگران به استان بوشهر به عنوان یک فرصت اقتصادی استفاده ببریم.

موفقیت مدیریت جمع آوری و فروش اموال تملیکی استان بوشهر



به گزارش روابط عمومی مدیریت جمع آوری و فروش اموال تملیکی استان بوشهر، در نشست تخصصی مدیران ستادی و استانی سازمان جمع آوری و فروش اموال تملیکی که با حضور مهندس حقیقی رئیس ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز کشور و هیأت عالی انتظامی و مدیرعامل و هیأت مدیره سازمان، در سالن اجتماعات سازمان اموال تملیکی کشور برگزار گردید، عملکرد استانها مورد ارزیابی قرار گرفت و مدیریت استان بوشهر به مقام دوم کشور در بین سایر استانها دست یافت و از اسلام ریحانزاده مدیر استان بوشهر تقدیر به عمل آمد.

رئیس کل دادگستری استان بوشهر:

مسئولان درفرصت تعیین شده مشکل مجتمع فرهنگی بوشهر را حل و فصل کنند

رییس کل دادگستری استان بوشهر گفت: با توجه به مهلت سه ماهه تعیین شده برای فک مهر و موم مجتمع فرهنگی هنری ۹ دی بوشهر مسئولان در فرصت تعیین شده مشکل قانونی این مجتمع را حل و فصل کنند.

حیدر بحرانی افزود: مجتمع فرهنگی وهنری ۹ دی بوشهر روزشنبه ۲۶ بهمن با حکم قضایی مهروموم شد و پس از مذاکره استاندار، سرپرست اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی و نماینده مردم بوشهر، گناوه و دیلم در مجلس شورای اسلامی با رییس کل دادگستری بوشهر دستور برداشتن مهر و موم آن برای سه ماه صادر شد.

وی یادآورشد: فردی که باحکم قضایی موفق به مهر و موم مجتمع فرهنگی و هنری ۹ دی بوشهر شده است فقط یک هشتم از سهم کلی مالکیت زمین این مجتمع را دارد و در بازگشایی مجدد آن نیز نقشی نداشته است.

رییس کل دادگستری استان بوشهر اضافه کرد: مجتمع فرهنگی و هنری ۹ دی تنها فضای فرهنگی برای فعالیت های هنرمندان در مرکز این استان است که با تعطیلی آن مشکلات جدی برای فعالان این بخش ایجاد خواهد شد.

بحرانی گفت: دراین ارتباط برای تامین اعتبار از سوی مسئولان اجرایی و برطرف کردن نگرانی اهالی هنر استان بوشهر دستور بازگشایی دوباره این مجتمع صادر شده است.

وی افزود: مسئولان ذی ربط باید در مهلت تعیین شده اقدام لازم را انجام دهند تا باعث تعطیلی احکام قضایی و مهر و موم دوباره این فضای فرهنگی در بوشهر نشود.

رییس کل دادگستری استان بوشهر یادآورشد: مجتمع فرهنگی و هنری ۹ دی و پارک همجوار آن در مجموع ۲۴ هزار متر مربع مساحت دارد که شش هزار مترمربع آن مربوط به فردی است که موفق به گرفتن حکم قضایی در مورد مهر و موم این مجتمع شد. وی که با ایرنا گفتگو کرده، گفت: مابقی ورثه و مالکان زمین های یادشده تاکنون اقدامی برای پیگیری حقوقی این زمین ها نکرده اند.

احداث شهربازی در پارک شغاب

عضو شورای شهر بوشهر گفت: در فاصله کمتر از دو سال در پارک شغاب بوشهر یک شهربازی بزرگ افتتاح خواهد شد. به گزارش «فارس»؛ علی‌اکبر شمسا در جلسه شورای شهر بوشهر از ایجاد یک شهربازی در پارک شغاب خبر داد و اظهار کرد: این شهربازی یکی از اساسی‌ترین نیازهای شهروندان برای تفریح کودکانشان است که در فاصله ۱۸ماه به افتتاح و بهره برداری خواهد رسید. این پروژه با اعتباری بالغ بر ۷,۸ میلیارد تومان پیش‌بینی شده که قسمتی از آن رو باز و قسمتی از آن نیز به شکل سرپوشیده است.

وی در ادامه با تاکید بر حمایت از سرمایه‌گذار بومی که قصد احداث مجتمع تفریحی تجاری در اطراف چهار راه صفوی را دارد، اظهار داشت: باید در جهت ترغیب سایر شهروندان برای اجرای پروژه‌های تجاری از سرمایه‌گذاران مذکور که هم زمین و هم منابع مالی برای اجرای پروژه‌های بزرگ را دارند، بسترسازی کنیم.

در نشست دو ساعته استاندار با هنرمندان استان چه گذشت؟

فرهنگ بوشهر در حال تخریب است

نشست صمیمی استاندار بوشهر با جمعی از هنرمندان استان در حالی برگزار شد که هنرمندان بخاطر فک پلمب مجتمع فرهنگی هنری بوشهر ضمن تقدیر لوحی را به رسم یادبود به وی اعطاء کردند، و البته دو تن از هنرمندان نیز نسبت به مطرح شدن نام "حمیده ماحوزی" برای مدیرکلی ارشاد استان، استاندار را مورد انتقاد قرار دادند.

روشن روان: دو سال است که هیچ کنسرتی در بوشهر برگزار نشده

به گزارش "پایگاه اطلاع رسانی بُنا"؛ محمد اسماعیل روشن روان، مسئول انجمن موسیقی اداره کل ارشاد بوشهر در این نشست ضمن گلایه از تندروی برخی افراد در به تعطیل کشاندن کنسرتهای موسیقی در بوشهر گفت: قریب به دو سال است که هیچگونه کنسرتی در بوشهر اجرا نشده و مجوزی نیز که از سوی اداره ارشاد صادر می شود با مداخله های برخی افراد آن مجوز نامعتبر می شود.

وی افزود: این افراد تندرو به گونه ای برخورد می کنند که آدم شوکه می شود، وگرنه خودمان موسیقی هائی را که در خط انقلاب نیستند را پالایش می کنیم و کارمان را بلدیم.

روشن روان، خطاب به استاندار گفت: موسیقی بوشهر در تمام دنیا شناخته شده است و انتظار داریم شما بعنوان عالی ترین مقام دولت در استان برای رفع این مشکل تدبیری بیندیشید.

وی همچنین نبود سالن با ظرفیت مناسب و استاندارد برای اجرای موسیقی و تئاتر در استان را از دیگر مشکلات عنوان کرد و گفت: این مشکل باعث شده تا برای ضبط برنامه هایمان به استانهای همجوار مراجعه کنیم.

گلایه از صرف هزینه های هنگفت برای گروههای هنری خارج از استان

هنرمند دیگری در ابتدای سخنانش خواستار مشخص شدن تکلیف مدیرکل ارشاد استان شد و گفت: درخواست دارم هرچه سریعتر مدیرکل ارشاد استان مشخص شود تا ما هنرمندان نیز از این سردرگمی بیرون بیائیم.

وی با گلایه از اینکه در سالهای گذشته برخی دستگاههای دولتی با دعوت از گروههای هنری خارج از استان و صرف هزینه های هنگفت، موجب رنجش خاطر هنرمندان بوشهری شده اند، خواستار جلوگیری از تداوم یافتن این موضوع شد.

تقدیر بخاطر درایت استاندار برای فک پلمب مجتمع فرهنگی هنری

رامتین مرادی بالف، دارنده سیمرغ بلورین و از فیلمسازان مطرح استان نیز در این نشست بخاطر درایت استاندار برای فک پلمب مجتمع فرهنگی هنری بوشهر از وی قدردانی کرد.

وی پیشنهاد کرد تا متولیان فرهنگی از هم اکنون برای برگزاری اولین جشنواره "سینمای خلیج فارس" برنامه ریزی کنند و ضمن دعوت از کشورهای حوزه خلیج فارس تعامل فرهنگی ایجاد شود.

برزگر: فرهنگ بوشهر در حال تخریب است

نویسنده، عکاس و روزنامه نگار باسابقه استان با بیان اینکه "فرهنگ و هنر مطلع هر حادثه ی خوب و بد است"، تصریح کرد: چه بخواهیم و چه نخواهیم فرهنگ بوشهر در حال تخریب است.

عبدالرحمن برزگر افزود: در این سالهای گذشته بسیار شروه خوانی کردیم و بر فرهنگ خودمان گریستیم.این نشست بیشتر شبیه به بررسی هنرنمائی و هنرمندان است.

وی گفت: شاید در شورای فرهنگی بشود کارگروهی از هنرمندان و صاحبنظران تشکیل داد تا لااقل فرهنگ استان بازیابی و بازتوانی گردد.

این هنرمند بوشهری با تأکید بر اینکه بدون نقد از گذشته نمی توان آینده را خوب دید، افزود: فرهنگ و هنر فقط به نمایش و موسیقی بر نمی گردد.فرهنگ بوشهر از تاریخ و شهرنشینی است تا ماندن و تحمل کردن پشت چراغ قرمز است.

برزگر گفت: متأسفانه در سالهای گذشته نه تنها هیچ اقدامی برای نگهداشت میراث فرهنگی بوشهر نشده، بلکه بر تخریب آن افزوده شده است.

وی در بخش دیگری از سخنانش به افتخارات کسب شده هنرمندان استان اشاره کرد و گفت: خلق آثار هنری در این چند سال تنها به همت خود هنرمندان صورت گرفته و هیچگونه حمایتی از سوی متولی فرهنگ در میان نبوده است، لذا به نظر می رسد به کارگیری هنرمندان در حوزه های مختلف بسیار مهم است.

زنده بودی: از مدیران ارشد برنامه فرهنگی بخواهید

پیمان زنده بودی از مجریان توانمند صداوسیمای مرکز بوشهر، نبود مدیر برنامه ریز طی سالهای گذشته را عامل رکود در حوزه فرهنگ و هنر استان دانست و گفت: متأسفانه هر بار که جلسه ای برگزار می شود از کمبود بودجه سخن به میان می آید، این در حالیست که باید بدنبال مدیر برنامه ریز باشیم؛ چرا که وقتی برنامه ای نداریم نمی توانیم گامهای موثری برداریم.

وی با بیان اینکه هنرمندان و روزنامه نگاران بوشهری علی رغم داشتن پتانسیلهای بالا با مشکلات بسیاری نظیر مسکن، بیمه و ... مواجه هستند، خواستار رسیدگی به این مشکلات شد.

زنده بودی خطاب به استاندار گفت: البته مشکلات حوزه فرهنگ و هنر تنها با بودجه حل نمی شود، و شما به جای اینکه با تشکیل این نشست از ما بپرسید مشکلاتتان چیست، باید از مدیران ارشد برنامه فرهنگی بخواهید.

عمل غیر انسانی در اتوبان چغادک - بوشهر


زهرا رضایی طرهانی

در اتوبان چغادک- بوشهر به طرف بوشهر می آمدم و مشغول تماشای مناظر اطراف جاده بودم. هوای آفتابی و دلنشینی که نورش در سبزه زارهای کنار جاده منعکس شده بود، لذت این تماشا را بیشتر می کرد. اما این خوشی دیری نپایید که تبدیل به آه بلندی شد که از نهادم بر آمد ومسبب آن دیدن صحنه ای بود که درست در مقابل چشمان ام اتفاق افتاد. خودرویی که در جلو ما حرکت می کرد مسیر خود را منحرف کرد و به سموری که قصد عبور از جاده را با ترس و دلهره داشت، زده و بی اعتنا گاز داد و رفت. من که بر اوضاع واقف بودم که او آگاهانه دست به این عمل غیر انسانی زد بدنبال خودرو رفته ودر نقطه ای که متوقف شد تا مسافرانش را پیاده کند با او صحبت کردم که چرا این حرکت زشت را انجام دادی؟ در صورتی که می توانستی مسیرت را عوض کنی زیرا ترافیکی هم نبود که مانع ات باشد و به سمور برخورد نکنی.

اوبه هر شکل از جواب دادن طفره می رفت و سعی در توجیه رفتار غیر انسانی خود را داشت و می گفت: این مسیر همیشگی من است وهزاران بار برایم در شب و روز اتفاق می افتد وعمدی نیست. به ایشان گفتم: شما ممکن است برخوردهای اتفاقی و غیر عمدی داشته ای ولی این حرکتی که من دیدم بی احتیاطی وبی توجهی بود که با غیر عمدی و اتفاقی تفاوت دارد، شما حتی توقف نکردید که ببینید سمور زنده است یا نه؟ شاید راهی برای نجات او وجود داشت که او را به مراکز دامپزشکی برسانید.

درحین جر و بحث ما پلیس راهنمایی و رانندگی هم رسید و شاهد صحبتهای ما شد و بی واکنش راهش را گرفت و رفت. البته من به اداره کل حفاظت محیط زیست بوشهر زنگ زدم و متاسفانه روز تعطیل بود که بعد از تماس به مسئولین و اعلام شماره پلاک ماشین به آنها، قول پیگیری دادند.

جا دارد که به شهروندان عزیز و محترم بگویم: در صورت بروز چنین حوادثی بی تفاوت نگذرند وعکس العمل نشان بدهند و در صورتی که به لاشه گونه ای از جانوران برخورد می کنند، اگر جانی در کالبدش بود اورا به مراکز دامپزشکی برسانند تا مداوا و او را دوباره به طبیعت بازگردانند که به حیات اش ادامه بدهد. و یا به اداره کل حفاظت محیط زیست واقع در خیابان عاشوری جهت درمان تحویل دهند که اگر هم مرده باشد تاکسیدر می شود و در موزه از آن استفاده شود.

محیط زیست به همه تعلق دارد و در حفاظت و نگهداری آن باید کوشا باشیم. میراثی است که به ما رسیده و به فرزندان و آیندگان ما تعلق دارد و ما دربرابر آن مسئول هستیم. باید در نهادینه شدن فرهنگ محیط زیستی و بخصوص حفاظت از محیط زیست گام برداریم. حال می خواهد درختی باشد یا یک پرنده و یا خاک و آب که در زمین وجود دارد. ما تنها یک زمین داریم و بسیار جدی باید از آن نگهداری کنیم.

روزانه سه هزار تماس با پلیس۱۱۰ استان بوشهر

فرمانده انتظامی استان بوشهرگفت: روزانه سه هزارتماس با پلیس۱۱۰ استان برای اعلام مسائل و مشکلات و کسب اطلاعات گرفته می شود. سردارحیدرعباس زاده در مسجد امام سجاد(ع) شهرشبانکاره افزود: هم اکنون وضعیت امنیتی استان بوشهر بسیارمطلوب است.

وی اضافه کرد: درمبارزه و کشف جرایم خشن استان رتبه خوبی دارد و ۹۶ درصد سرقت ها نیز کشف شده است و هرسال این رتبه درحال بهبود است.

نگاهی به «کتاب معماری بوشهر در دوره زند و قاجار»

مجموعه جامع و ارزشمند «گنجینه بوشهر»

لیدا اسلامی- کارشناسی ارشد معماری

نام کتاب با عنوان «معماری بوشهر در دوره زند و قاجار» ذهن را به سمت تألیفات متعددی از نویسندگان گوناگون که عمدتاً یا ریشه‌های خویشاوندی با بوشهر دارند و یا به تناسب شغل و اجبار زمانه تصدی سمتی مرتبط با حرفه را در این سرزمین داشته‌اند، می‌برد.

لیکن در مطالعه فصول کتاب رویکردی جدید و زاویه‌ای نو در نگارش این اثر به چشم می خورد. در واقع می توان گفت اگر عنوان کتاب به «گنجینه بوشهر» تغییر کند معرفی بهتری از محتوای آن را خواهد داشت. زیرا نگرش حاکم بر کتاب صرفاً معماری نبوده و مطالب آن از عرق ذاتی به منطقه و تحت تاثیر عوامل مختلف فرهنگی، اجتماعی، تاریخی، اقتصادی، هنری، فنی و جغرافیایی نشأت گرفته است.

شالوده کلی مطالب، در مجموعه حاضر در گام نخست مبتنی بر بررسی بوم‌شناختی سرزمین بوشهر می باشد، که خود به دو بخش شهر بوشهر و شهرستان‌های اطراف دسته‌بندی شده و در مطالعه شهر بوشهر بافت قدیم از محله‌های پیرامونی تفکیک شده است.

مطالعه پیشینه تاریخی و جمع‌آوری داده‌های محیطی براساس پرسشنامه‌ها و مصاحبه با کهنسالان محلی که خاطره ذهنی روشن یا حتی مبهمی از آن روزگاران در ذهن دارند و نیز پرداختن به ابنیه قدیمی از دست رفته و تخریب شده بوشهر وجه ممیزه این کتاب با نمونه‌های مشابه می باشد.

در مرحله بعد بررسی ساختار شناسانه مبتنی بر ابعاد بوم‌شناختی و قدمت تاریخی در دو زمینه خانه‌های قدیمی و قلعه‌های باستانی مورد توجه نویسنده قرار گرفته است.

به گفته نگارنده کتاب هدف از تألیف این اثر معرفی معماری اصیل و ناشناخته این بندر تاریخی در عصر درخشانش بوده است. که در این زمینه نسبت به ثبت آثار قدیمی و تاریخی واجد ارزش و جاودانه ساختن حضور آنها در تاریخ اقدام شده است.

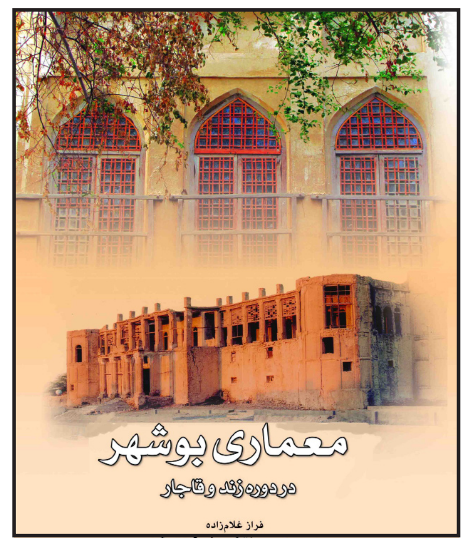
حفظ همبستگی و تسلسل تاریخی و نشأت گرفتن از ریشه‌ای محکم و قوی که گویای قوام هسته این خاستگاه هنر و معماری باشد، مستلزم آغاز بررسیهای شناختی و آسیب‌شناسانه ای از ساختمان‌های قدیمی و در معرض تخریب میباشد که به روایت نویسنده برای نیل به این هدف مراجعه به ارگان‌ها و نهادهای ذی‌مدخل نظیر سازمان میراث فرهنگی بوشهر و بنیاد ایران شناسی که به روایت نامشان می‌بایست توشه و اندوخته‌ای در این زمینه داشته باشند صورت گرفته است. لیکن ماحصل این مراجعت‌ها پی بردن به فقدان اطلاعات مکفی و تبیین ضرورت تدوین کتاب بوده است.

همچنین در بررسی‌های سوابق تحقیق و با مطالعه آثار نویسندگانی چون "غلامحسین معماریان" یا "سام رسایی کشکوک" یا "ایرج نبی‌پور" دریافتیم که در آثار همه آنها صرفاً به ۴ محله قدیمی بوشهر پرداخته شده و آثار ارزشمند موجود در سایر محلات بوشهر همواره مغفول مانده اند.

این در حالی است که نویسنده کتاب حاضر ضمن پرداختن به معماری بوشهر و شهرستان‌های اطراف آن، تحقیق و بررسی درباره ابنیه قدیمی و در حال تخریب بوشهر را به صورت نظرسنجی و تحقیق میدانی انجام داده و در مواردی که امکان بررسی فیزیکی بنا ممکن نبوده مقایسه تطبیقی میان اطلاعات دریافتی از ساکنان کهنسال و همسایگان صورت گرفته است که البته با عنایت به ماهیت زمان‌بر این نحوه تحقیق و بررسی، روش مذکور سبب اطاله زمان اثر تألیفی گشته است. ریزبینی و دقت بالای نویسنده و حساسیت در صحت و سقم و یا کم و کیف مطالب باعث شده که در مرحله برداشت‌های هدفمند و میدانی مطالعات، نسبت به تهیه عکس از جزئیات و کلیات بناها اقدام و بعد از چاپ تصاویر روی کاغذ عکس، به مداقه در جزئیات و تفسیر آنها بپردازد.

گفتنی است نگرش معمارگونه حاکم بر عکاسی و تصویربرداری هدفمند و تخصصی از دریچه نگاه یک معمار، با موضوع استفاده از عکس در تحلیل و تفسیر جزئیات، تمایز حاکم بر انجام این مطالعات نسبت به سایر تألیفات حاضر را می‌نمایاند.

روش دقیق تهیه نقشه‌های موجود به صورت ترسیم کروکی



نوآوری که در میان مطالب تخصص کتاب چشم می‌خورد آوردن تاریخچه و سرنوشت کنونی بازماندگان آثار بررسی شده است که سبب پاسخگویی به حسن کنجکاوی مخاطب و برآورده کردن میل تاریخ شناسانه و همچنین کمک به درک ملموس مطالب و موضوعات کتاب و نیز کمک به ثبت ذهنی آثار می‌باشد

و اندازه‌گیری دقیق در محل (رولوه) به همراه راهنمای فضاها نیز از دیگر نقاط قوت این کتاب می‌باشند.

روحیه ارزشمند دیگری که در کتاب حاضر وجود دارد نگاهی شهرسازانه و کل نگر بر این مجموعه است که سبب شده نسبت به تهیه نقشه پراکندگی بناها در محلات قدیمی شهر و نیز ترسیم روابط فی‌مابین و تهیه نقشه محدوده شهرستان‌های هفت‌گانه و شاخص کردن محل قرارگیری بناها و قلعه‌ها اقدام گردد. (یافتن چنین نقشه هایی تاکنون صرفاً در اطلس جامع مناطق میسر بوده است.)

استفاده از ابزارهای نوین سنجش و پایش نظیر سیستم موقعیت‌یاب ماهواره‌ای (GPS) در مواردی که صنایع دست ساخته بشری بر بوم طبیعی منطقه تأثیر گذارده است، نیز نشانه روز آمد بودن آن است.

گاه در مطالعه کتاب به نظر می‌رسد نوعی گسستگی و اشکال در دسته‌بندی مباحث به نظر می‌رسد که با نگاهی منتقدانه سعی در ارائه راه‌حل بهتری برای حل این مشکل شده است. به عنوان مثال در بخشی از کتاب، بناهای چند محل با هم و در جایی دیگر بناهای یک محل به اجمال و به مقیاس بزرگ‌تر مورد بررسی و مداقه قرار گرفته است حال آنکه این بررسی در جای دیگر به مقیاس خرد و به تفصیل مورد توجه بوده است.

لیکن بنا به اظهارات نویسنده این نوع دسته‌بندی ناشی از نگرش شهرسازانه مؤلف و به دلیل پراکندگی یا در هم تنیدگی صور شهری امروز است که نویسنده سعی کرده نوعی تناسب و همسازی با بافت امروزی و محلات کنونی بوشهر را پدید آورد تا فهم و درک آن برای مخاطب امروزی سهل‌تر و قابل هضم‌تر باشد.

به بیان دیگر تأثیر شهرنشینی امروز بر صورت شهری محلات، پراکندگی یا درهم تنیدگی آنها ملاک دسته‌بندی موضوعی کتاب، با هدف کمک به مخاطب در تطبیق موضوعات ارائه شده و تلفیق با داده‌های ناشی از شناخت بصری خود می‌باشد.

در جایی دیگر بخشی از سرزمین هرمزگان کنونی با نام گاوبندی در حوزه استان بوشهر بوده بررسی شده است که نویسنده دلیل آن را اهمیت این بخش در پیشینه تاریخی و معماری منطقه داشته است.

تلفیق و تجمیع موارد متعدد و دلایل علمی بر نحوه دسته‌بندی موضوعی مطالب کتاب نمایانگر دیدگاه جامع و فرابخشی نویسنده در این مؤلفه و شکل‌گیری آن در طول سالیان متمادی می‌باشد هر چند که این تطویل زمان در تألیف کتاب مذکور ممکن است خود سبب کهنه شدن برخی اطلاعات مآخذ و منابع شده و نیز مغفول ماندن دستیافته‌های آثار جدید در زمینه این موضوع را سبب گردد. لیکن با توجه به دقت و اهمیت لازم در جمع‌آوری جزئیات، خلوص و بکر بودن اطلاعات جمع‌آوری شده گریزناپذیر است.

با آغاز ویراستاری کتاب در سال ۱۳۸۸ و جانمایی نقشه‌های ترسیم شده توسط نرم‌افزار اتوکد براساس کروکی‌های برداشت شده و رولوه‌های محلی، مدلسازی سه بعدی بناهای حائز اهمیت و مرجع در بافت سبب شد که سرانجام کتابی که در سال ۱۳۹۱ قاب چاپ می‌گردد مشتمل بر ۲۳۰ قطعه عکس ۶۲ نقشه اتوکد همراه با راهنمای فضاها و ۳ مدل سه بعدی از آثار برجسته معماری با اشاره به تمام ابعاد مسبب خلق اثر باشد.

عدم همسانی و همگن بودن اطلاعات بناها نیز که در کتاب مشهود است به اقرار نویسنده مربوط به قدمت آثار و میزان مدارک قابل دسترس از آنهاست به ویژه در بخش قلعه‌ها که سابقه طولانی‌تری نسبت به آثار معماری داشته و فرآیند رشد شهرنشینی بسیار سریع‌تر از سایر اماکن خاکی از سکنه شده‌اند نواقص بیشتری به چشم می‌خورد.

نوآوری دیگری که در میان مطالب تخصص کتاب چشم می‌خورد آوردن تاریخچه و سرنوشت کنونی بازماندگان آثار بررسی شده است که سبب پاسخگویی به حسن کنجکاوی مخاطب و برآورده کردن میل تاریخ شناسانه و همچنین کمک به درک ملموس مطالب و موضوعات کتاب و نیز کمک به ثبت ذهنی آثار می‌باشد.

تصویر اسناد قدیمی مثل نمونه دعوتنامه‌ها به بزرگان یا بروات متعلق به روابط با تجار بین‌المللی در افزایش غنای سبک مستندسازی و ثبت جزئیات تاریخی منطقه بسیار مؤثر بوده است. از دیگر وجوه امتیاز کتاب حاضر در پرداختن به روایات تاریخی، فنی، هنری و اجتماعی و رعایت اصل امانتداری، نقل قول‌نویسی و حفظ حقوق معنوی آثار مورد بررسی می‌باشد. همچنین پرداختن به ادبیات رایج در معماری آن روز و ثبت اصطلاحات ملموس و متداول، در آن برهه تاریخی بواسطه تنظیم واژه نامه معماری سنتی ایران ـ بوشهر میسر گردیده است.

بهره‌گیری از مستندات اجتماعی از روزنامه‌نگارها و هفته‌نامه‌های محلی بوشهر گرفته تا کتاب‌های تألیف شده در زمینه‌های تاریخی، اجتماعی، آمار و ارقام، جغرافیا و حتی کتاب دانشگاه آکسفورد لندن در سال ۲۰۰۷ طیف وسیعی از منابع و مآخذ را نشان می‌دهد که به عنوان پشتوانه‌های این اثر ارزشمند مطرحند که خود سبب شده فاصله تاریخی و گسست میان نسل‌ها از میان برداشته شده و اطلاعات جمع‌آوری شده تا مرحله تدوین و نگارش مورد مستندسازی و ثبت قرار گیرند.

امید که چنین مجموعه های جامع و ارزشمندی که رافع نیازهای دانشجویان و متخصصان حرفه معماری و نهادهای آموزشی معماری و مرمت آثار واجد ارزش تاریخی می باشند، به سهولت در اختیار مخاطبان خود قرار گیرند و موانع اقتصادی و گاه بی اعتنایی به اهمیت تالیف چنین آثار مستند و مدونی مسیر آنها را از دسترس متخصصان حرفه به کتابخانه های سایر کتاب دوستان تغییر ندهد. باشد که پاره ای از اهداف تالیف چنین کتابهایی، یعنی پیوند میان پیشینه ارزشمند معماری ایران با معماران نسل جدید مستحکم تر گردد.

جامعه ما

هرج و مرج دانشگاهی

امید سعیدی



یکی از نهادهایی که تاثیر بسزایی در دمکراتیزه شدن جامعه دارد نهاد دانشگاه به عنوان ابزار بازپروری فکر و اندیشه است. دانشگاه محیطی برای پرورش دادن ایده و استقبال از ایده های نو در هر زمینه ایست.

نوآوری در دانشگاه های مغرب زمین بسیار مقبول می باشد به نحوی که دانشگاه های مغرب زمین برای رسیدن به این مرحله حاضرند با اعطاء بورسیه به دانشجویان مستعد سراسر دنیا، جریان ایده پروری را در جامعه خود پرورش دهند.

دانشگاه های مغرب زمین اهمیت بسیار زیادی به پژوهش و تحقیق می دهند و دانشجویان براحتی توانایی جمع آوری تمامی اطلاعات مورد نیاز خود را در زمینه پژوهشی خود دارند و دولت هیچ گونه دخل و تصرفی در محیط دانشگاه نمی کند و بالعکس سعی می کند از پژوهش های دانشگاهیان خود به نحو احسن بهره جسته و آن ها را برای بهبود وضعیت جامعه خود به کار گیرد.

دانشگاه در مغرب زمین تفاوت هایی با دانشگاه های جامعه ما دارد. در آنجا صحبت از آزادی اندیشه برای رسیدن به طرحی نو برای بهبود روند جامعه در هر زمینه ای است و اینجا در جامعه ما دانشگاه تنها به فکر دانشجو جهت می دهد به شکلی که دانشجو فقط امکان گام برداشتن در همان چارچوب فکری دانشگاه را دارد و هر گونه ایده خلاقانه ای محکوم به شکست و یا بدعت است.

در جامعه ما دانشجو چنان درگیر مسائلی غیر از دانشگاه است که مفری برای تحقیق و پژوهش ندارد.

ما باید در ابتدا اهداف خودمان را برای ایجاد دانشگاه در کشور مشخص کنیم. آیا هدف ما تنها پر کردن وقت جوانان است و یا قرار دادن آن ها در مسیری که ما تشخیص می دهیم که صحیح است.

پیشرفته بودن و یا عقب افتاده بودن هر جامعه ای را می توان از دانشگاه های آن شناخت. محیط دانشگاه های ما به عنوان یک کشور جهان سومی یک محیط متزلزل، دچار بوروکراسی خسته کننده، اساتید گزینشی، کتاب های سفارشی و هرج و مرج و بی نظمی است.

بگذارید برای این قسمت صحبتم کمی مستند شود.

مدتی بود برای موضوعی تصمیم داشتم با رئیس دانشگاه خود از طریق پست الکترونیکی مکاتبه کنم. بعد از ارسال چند ایمیل به رئیس دانشکده و عدم دریافت پاسخ از آن ها با رئیس دانشگاه، مسئول روابط عمومی دانشگاه و همچنین در قسمت ارتباط با ما سایت دانشگاه الکترونیکی مکاتبه نمودم اما هیچ کدام حتی پاسخی یک کلمه ای هم ارسال نکردند در حالی که چند روز بعد از این جریان به طور اتفاقی برای مسئله ای در قسمت ارتباط با ما یکی از دانشگاه های برتر اروپا و دنیا سئوالی ارسال کردم که با بازخوردی که از دانشگاه های خودمان داشتم امیدی به پاسخ نداشتم اما در کمال ناباوری فردای همان روز دانشگاه مربوط از طریق پست الکترونیکی پاسخ مرا داده بود آنهم به این سرعت.

با خود فکر کردم چه تشکیلات منظمی پشت این دانشگاه وجود دارد که با وجود شلوغی عظیمی که این دانشگاه دارد و احتمالا نامه های بسیاری که از سراسر دنیا به انحاء مختلف به دست آن ها می رسد، اما باز هم خود را نسبت به پاسخ دادن سئوال من مقید دانسته بود و این تفاوت دانشگاه های ما با اروپاست.

به هر حال دانشگاه نقش مهمی در روشنگری جامعه دارد. در دوران مشروطه فرنگ رفته های ما پس از بازگشت از اروپا با خود علوم و دانشی آوردند که باعث این شد که ایران اولین کشوری باشد که شاید بسیار زودتر از کشورهای همتراز خود به دنبال جنبش های دموکراسی خواهی رفت.

تمامی جنبش هایی که تغییر مثبتی در جوامع مختلف به وجود آورده اند به نحوی از درون دانشگاه بیرون آمده اند و یا با حمایت دانشجویان بوده است.

دانشجو در جامعه مغرب زمین به معنای مغز متفکر یک جامعه است و هر چه این مغز پرورش یافته تر باشد جامعه ای توسعه یافته تر خواهیم داشت.

حرکت لاک پشتی ۲۰ ساله اجرای طرح فاضلاب بوشهر

اجرای نیم بند طرح جمع آوری فاضلاب شهر بوشهر که از آغاز آن ۲۰ سال می گذرد همچنان دغدغه شهروندان بوشهری است.

به گزارش ایرنا، شهروندان بوشهری می گویند: هرچند در این مدت با افزایش جمعیت، تولید فاضلاب نیز در بوشهر افزایش یافته است اما فقدان اجرای کامل طرح فاضلاب در این شهر بندری افزون بر مشکلات زیست محیطی زمینه مستعدی برای شیوع انواع بیماری ها را فراهم کرده است.

آنان افزودند: روانه شدن فاضلاب در معابر عمومی باعث افزایش عوامل بیماری زا به محیط مثل میکروب ها، ویروس ها و انگل ها زنگ خطر را مدتهاست در بوشهر به صدا درآورده اما گویی کسی خود را مسول این مهم نمی داند و یا اگر احساس مسوولیتی نیز می شود، عزمی برای اجرای این طرح مشاهده نمی شود.

حسین مرادی یکی از شهروندان بوشهری گفت: گذشت ۲۰ سال از آغاز پروژه ای که همه مسوولان اجرایی، بهداشتی و محیط زیست بر سرعت بخشی در اجرای آن تاکید دارند کارنامه مدیریتی متولیان امر را در استان بوشهر برای قضاوت افکار عمومی به چالش می کشد.

وی افزود: حرکت لاک پشتی اجرای طرح فاضلاب بوشهر در حالی است تا محیط زیست که فرصتی برای ایجاد چشم اندازهای زیبا و جذب گردشگر است را نیز با مشکل روبه رو کند.

امرالله رضایی شهروند دیگر بوشهری بیان کرد: اجرا نشدن کامل طرح فاضلاب باعث ورود مواد شیمیایی محلول به محیط و زنجیره غذایی می شود که این امر افزایش برخی بیماری ها از جمله سرطان ها و هپاتیت های عفونی و انگل های روده ای را در پی دارد.

وی اظهار کرد: بوی بد فاضلاب بیشتر به علت مواد آلی موجود در آن است که این مواد بیشتر قابل تجزیه میکروبی هستند و تجزیه میکروبی منجر به تولید بوی نامطبوع می شود.

معاون سیاسی و امنیتی استانداری بوشهر:

این پروژه با تخصیص اعتبارات محدود استانی به نتیجه نهایی نمی رسد

معاون سیاسی و امنیتی استانداری بوشهر در این باره گفت: با توجه به اعتبارات هنگفتی که برای پایان یافتن پروژه فاضلاب شهرهای این استان نیازاست، این پروژه با تخصیص اعتبارات محدود استانی به نتیجه نهایی نمی رسد.

محمد حسن پرآور افزود: هم اکنون زمان تخصیص بودجه است، مسوولان استان باید با استفاده از توان نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی در زمینه تامین بودجه و جذب اعتبارات ملی برای فاضلاب شهرهای استان بوشهر تلاش بیشتری داشته باشند.



وی اضافه کرد: بوشهر استانی ساحلی، تجاری، توریستی و مرکز اقتصاد کشور است و نباید به دلیل محدودیت اعتبارات با چشم انداز نامناسب رها شدن فاضلاب و آبهای سطحی در خیابان ها و معابر روبه رو باشد.

وی اضافه کرد: هم اکنون یک هزار و ۴۴۰ میلیارد ریال اعتبار برای تکمیل شبکه فاضلاب و تصفیه خانه آن در شهرستان بوشهر نیاز است که این میزان اعتبار را نمی توان از طریق محل بودجه استانی تامین کرد.

معاون سیاسی و امنیتی استانداری بوشهر یادآور شد: همچنین پساب فاضلاب ها نیز باید در اختیار بخش خصوصی قرار گیرد تا با همکاری منابع طبیعی و امور اراضی با در نظر گرفتن زمین مناسب زمینه کشت محصولات مورد نظر فراهم شود.

وی بیان کرد: با استفاده مطلوب از پسابها از تشکیل نیزارهای انبوه که محلی برای جمع شدن حشرات و حیوانات موذی است و باعث ایجاد مشکلات زیست محیطی می شود جلوگیری می شود.

معاون فنی مرکز بهداشت استان بوشهر:

رها شدن فاضلاب در شهر بوشهر باعث آلودگی شناگاه های ساحلی استان شده

معاون فنی مرکز بهداشت استان بوشهر گفت: هم اکنون رها شدن فاضلاب در شهر بوشهر باعث آلودگی شناگاه های ساحلی استان شده که این امر علاوه بر آلودگی محیط زیست برای سلامت مردم نیز مشکل ساز شده است.

دکتر محمد مهدی خواجه بیان افزود: هم اینک شبکه فاضلاب در بوشهر به دلیل محدودیت های مالی و فنی کامل نیست و این امر باعث رها شدن فاضلاب شهری به خیابان ها می شود.

وی اضافه کرد: تصفیه خانه فاضلاب شهر بوشهر نیز یکی دیگر از مشکلات این شهرستان است که به دلیل این که درست هدایت و پساب آن تصفیه نمی شود این امر باعث ایجاد محلی برای آلودگی، ایجاد نیزار و بوی بد و هجوم مگس ها و آلودگی پرندگان مهاجر می شود.

خواجه بیان اظهارکرد: عملیات جمع آوری فاضلاب باید به سرعت انجام شوند و خانوارها وصل و شهرداری نیز با استفاده از قوانین نسبت به آسفالت، شیب بندی و لایروبی جوی های آب خیابان ها اقدام کند.

وی گفت: در صورتی که فاضلاب ها وارد آبهای جاری، زیرزمینی و چرخه آب مصرفی و مواد غذایی مردم شود می توانند باعث انتقال بیماری های مختلفی از جمله وبا، حصبه، طاعون، اسهال خونی، بیماری های انگلی و سایر بیماری های منتقله از طریق آب و غذا به انسان شود.

خواجه بیان اضافه کرد: تخلیه غیرقانونی بخشی از فاضلاب خانگی از جمله فاضلاب ناشی از شستشوی حیاط، وسیله نقلیه و حمام از سوی برخی مشترکان به کانال های دفع فاضلاب سطحی با وجود شبکه فاضلاب شهری از دیگر مشکلات این بخش است.

وی گفت: به دلیل رها شدن پساب در حوالی تصفیه خانه (مسیر تردد اتوبان بوشهر- عالی شهر و اتوبان ساحلی بوشهر- دیر) شکل بسیار بد به همراه یکسری مشکلات را ایجاد ساخته است.

مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب استان بوشهر:

۱۹۰ کیلومتر دیگر شبکه جمع آوری فاضلاب باید در شهر بوشهر اجراشود

مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب استان بوشهر گفت: تاکنون ۶۵ درصد از طرح شبکه جمع آوری فاضلاب بندر بوشهر که از سال ۱۳۷۲ به اجرا درآمده، انجام شده است.

حیدر دهقانی افزود: هم اکنون ۳۱۰ کیلومتر از شبکه جمع آوری فاضلاب بوشهر به پایان رسیده و فعال است که نقشی مهم در افزایش سطح بهداشت عمومی و ارتقای عمر ابنیه های فنی و ساختمان ها دارد. وی با بیان اینکه ۱۹۰ کیلومتر دیگر شبکه جمع آوری فاضلاب باید در شهر بوشهر اجراشود اضافه کرد: برای شبکه فاضلاب بوشهر ۱۶ ایستگاه پمپاژ طراحی شده است که تاکنون از این تعداد ۱۲ ایستگاه آن افتتاح و در مدار جمع آوری قرار گرفته است.

دهقانی یادآور شد: هم اکنون ۳۳ هزار انشعاب فاضلاب در شهر بوشهر واگذار شده است و در شبانه روز ۳۵ هزار مترمکعب فاضلاب این شهر جمع آوری و از طریق شبکه به تصفیه خانه فاضلاب منتقل می شود. وی با بیان این که ۳۶ کیلومتر خط انتقال شبکه فاضلاب بوشهر اجرا شده گفت: از سال ۱۳۷۲ تاکنون برای اجرای طرح فاضلاب بوشهر ۵۳۰ میلیارد ریال هزینه شده است این در حالی است که برای تکمیل آن به یکهزار و ۴۴۰ میلیارد ریال اعتبار نیاز است.

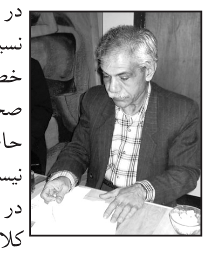
دهقانی یادآورشد: از ۶۰ میلیارد ریال اعتبار مصوب امسال تاکنون ۱۵میلیارد ریال معادل ۲۵درصد تخصیص یافته که این میزان اعتبار جوابگوی ادامه و کامل شدن این طرح نیست. وی بر تامین اعتبارات لازم برای تکمیل طرح فاضلاب بوشهر تاکید کرد و گفت: با استفاده از راهکارهای مناسب بزودی از روش های جدید مالی برای تکمیل این طرح استفاده می شود.

مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب استان بوشهر گفت: پساب تصفیه خانه فاضلاب شهر بوشهر مطابق با استاندارد ملی است و براساس نتایج بررسی ها مصارف توسعه فضای سبز و جنگل کاری مناسب است.

وی اضافه کرد: مدول دوم ایستگاه پمپاژ فاضلاب بوشهر برای افزایش انتقال فاضلاب جمع آوری شده به تصفیه خانه امسال اجرا می شود. دهقانی یادآور شد: مطالعات بازنگری شبکه جمع آوری فاضلاب بوشهر شامل مطالعه خطوط انتقال، اصلی و فرعی، شبکه جمع آوری، انشعابات فاضلاب و تصفیه خانه در دست اجراست.

ادب و هنر ۴
شماره ۷۲۷- یک شنبه ۴ اسفند
NASIM JANOUB

بوطیقای شعر جدید در دوشنبه های ادبی نسیم جنوب



در جلسه دوشنبه های ادبی نسیم جنوب، استاد آرش نیا در خصوص بوطیقای شعر جدید صحبت کرد و گفت که در حال حاضر شعر بدنبال دریافت معنا نیست و به فرم بیشتر توجه دارد.
در ادامه آرش نیا افزود: رویکرد کلاسیک شعر معنا بود و خواننده دنبال معنی ای می گشت تا برسد به معنای مورد نظر نویسنده .
وی همچنین گفت که گرچه در این شعرها احتمال معانی و برداشت های متفاوت هم می رفت اما تلاش بر آن بود که مخاطب بتواند به نقطه نظر مولف برسد.
آرش نیا در ادامه اظهار داشت: در حال حاضر شعر تلاش دارد که اصل مفید بودن را کنار بگذارد و به اصل لذت بپردازد واین تلاش بیشتر به شکلی شده که نظر مخاطب به متن معطوف شود و نه مولف!
وی گفت که این حرکت مهم در شعر به اصل تاویل کشیده شده و اینکه هر مخاطب می تواند برداشت های شخصی خود را از شعر یا یک متن داشته باشد!
همچنین آرش نیا بر این اصل تاکید کرد که در شعرهای امروز به چگونه گفتن توجه بیشتری می شود تا چه گفتن! ایشان همچنین به فراروی از معنا در شعر اشاره کرد و به نقش زبان در این راستا پرداخت.
در بخش دیگر جلسه پرسش و پاسخی در خصوص موضوع انجام گرفت و شعر چند صدایی مورد بحث و بررسی قرار گرفت .
در بخش سوم، شعرهایی از آتشی، شاملو و اخوان توسط مهری کرمی، فاطمه بردخونی و ساره نجفی خوانده شد و در بخش پایانی نیز شاعران حاضر در جلسه شعرهای خود را خواندند.
شاعرانی که شعر خوانی داشتند: ساره نجفی، مینا درعلی، فاطمه بردخونی، علی حسین جعفری، راضیه جوادی، کاظم کریمی میگلی نژاد و ... .

مینا درعلی



سردرد هایت
بلند می شوند
و سرخپوستی روی دیوار
آزادی را دود می کنند

دخترکی گل فروش
آفتاب های در بند
در خیابانهای بن بست می فروشد
و من
با سری پر درد
هنوز هم آفتاب گردانت مانده ام
و به تو فکر می کنم
و به اینکه معجزه هم که نباشی
قلب مرا شکافته ای
و هزار کبوتر یاغی
از چاهی
به چاهی دیگرکشاندی ام

***

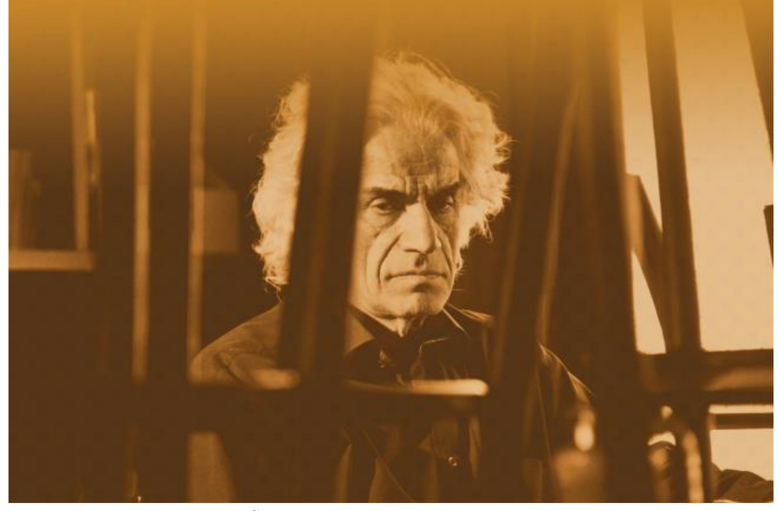
میترا خواجه ئیان

..
مرد نیستم
وانگوگ هم نیستم
اما امروز گوش هایم را بریدم
یکی
یکی
آخر کودک مانده بودند و
سنگین نبودند
به سان سال هایی که از سر گذرانده بودند
...
زود می رنجیدند
زود باور می کردند
زود عاشق می شدند
...
امروز کودکیم را سر بریدم
گوش تا گوش

نگاهی به دنیای شاعری علی باباچاهی

باباچاهی در وضعیت دیگر

دکتر نسرین مظفری



یکی از شاعران استان بوشهر که چهره ای فرا اقلیمی و ملی دارد و نام خود را با اقتدار در ادبیات معاصر ایران تثبیت کرده است، علی باباچاهی است. وی متولد ۱۳۲۱ بوشهر است و با کتاب شعر «بی تکیه گاهی» در سال ۱۳۴۶ خود را به ادبیات ایران معرفی کرد. سایر آثار شعری او عبارتند از جهان و روشنایی های غمناک (۱۳۴۹)، از نسل آفتاب (۱۳۵۳)، صدای شن (۱۳۵۶)، آوای دریا مردان (۱۳۶۸)، از خاکمان آفتاب بر می آید (۱۳۶۸)، منزل های دریا بی نشان است (۱۳۷۴) نم نم بارانم (۱۳۷۵) عقل عذابم می دهد (۱۳۷۹)، قیافه ام که خیلی مشکوک است (۱۳۸۱)، پیکاسو در آبهای خلیج فارس (۱۳۸۸) و... او همچنین در زمینه ی نقد و تحلیل ادبیات امروز حضور سرزنده ای در محافل و نشریات معتبر ادبی کشور دارد و ده ها اثر دیگر در زمینه ی ادبیات کودکان و سایر مسایل ادبی امروز ایران به چاپ رسانیده است.
او مانند سایر شاعران جنوبی کار خود را آرام آرام و بی ادعا آغاز کرد. وی یکی از معدود شاعران امروز ایران است که بر ادبیات کهن ایران زمین اشراف کامل دارد و شعر خود را در طول زمان با نوعی کشف و شهود شاعرانه همراه ساخته است.
شاید به اعتقاد برخی از ناقدان اولین کتاب وی که در دهه ی چهل روانه ی ادبیات ایران شد چشم انداز مهمی نداشت، اما در آن شعرهایی بود که از همان ابتدا آینده ی روشنی را برای وی نوید می داد. در همان سالها شعر «خورشیدها و خارها» و «چه باید گفت» در محافل ادبی دهان به دهان می گشت، شعر «خورشیدها و خارها» با نوعی رویکرد اجتماعی- اعتراضی همراه بود:

من از آبشخور غوکان بدآواز می آیم
و با من گفتگوی مرغ های خانه به دوشی است
که جفت خویش را در شیشه های آب می بینند
دلم ای دوست می سوزد
که قمری ها نمی خوانند
که دخترهای عاشق گل نمی چینند
زمین آبستن گلهای نفرین بود و من ابری ملامت بار
که نامیمون ترین اندوه را در بوته های خار می دیدم
زمین با من نمی پیوست
و من زیباترین گل های غم را از ضمیر خاک می چیدم
هلا ای غرفه های تار!
هلا سرداب ها، گلخانه های بدشگون شهر!
هلا میخانه های تا سحر بیدار!
من از آبشخور غوکان بد آواز
من از خلوتگه زاغان پر نیرنگ می آیم
شب من، قصه تلخی است
که هر فصلش سرآغاز کتابی شوم خواهد شد.
غم من، باد و بارانی ست
که تا اعماق دنیا راه خواهد یافت
...
درون خلوتم رویای وصلت هاست
و با چشمان من اندوه تا شبگیر باریدن
و بر دستان من بندی ست
که گل های شقایق، از میان کشتزار خویش
نتوانم رهانیدن
...
قدم شاداب تر بردار!
که خارستان ما با اشک، گل باران نخواهد شد
جهان در زیر پای ماست
و این زورق تو را تا آب های دور خواهد برد
و این زورق تو را پرواز خواهد داد
و این فواره های روشن خورشید
که غمگینانه بر بام تو می بارد
زمین را دوست می دارد
و این لولنده های خاک
و این آشفتگان کاغذین را، دوست می دارد
جهان در زیر پای ماست، اما بوته های خار
به دنیای من و تو راه خواهد یافت. (باباچاهی، ۱۳۷۲: ۳۳)

و این شعر آغازی بود برای بی پایانی وی در شعر، اشعار باباچاهی تا دهه ی شصت بیش تر مفهوم گرا بودند و معنا را از مخاطب دریغ نمی دارند، اما از دهه ی شصت به بعد با بلوغ شعری و مطالعه ی بیش تر در مضامین و تئوری های شعر جهان باباچاهی به ناگاه انفجاری عمل می کند و ادبیات ایران را دچار شگفتی و حیرت می سازد که اوج او را در «نم نم بارانم» می توان دید.
در دهه های اخیر باباچاهی یکی از غیرمنتظره ترین چهره های ادبیات ایران شناخته می شود. هر لحظه ی وی در شعر شگفتی ساز و حیرت آور است. خارج از هر گونه نقدی که خوب یا بد بر شعر وی رفته است مهم ترین کار وی جریانی است که در ادبیات ایران به وجود آورده است. او یکی از جریان سازترین چهره های ادبی معاصر است که حضور وی طراوت و تازگی به ادبیات امروز بخشیده است. وی با نگاه ویژه و پدرانه به آثار جوانان آن ها را نیز از بالندگی دور نداشته است و همین سبب شده تا نوعی شورمندی و شورانگیزی در عرصه ی شعر سرزمینی شاهد باشیم.
اشعار وی را «شعر در وضعیت دیگر» می نامند و تفاوت آن با «شعر دیگر» به گفته ی خود باباچاهی این است که در حالت اخیر شعر رویکردی «فردیتی» دارد و در حالت اول شعر منبر «چندینگی» هاست.
باباچاهی مهم ترین احساسی را که به ادبیات ایران هدیه کرده است نیاز به تعالی و تغییر است و بدیهی است که هر تغییر چه خوب یا

باباچاهی مهم ترین احساسی را که به ادبیات ایران هدیه کرده است نیاز به تعالی و تغییر است و بدیهی است که هر تغییر چه خوب یا بد، دانسته یا ندانسته با مقاومت همراه است، اما باباچاهی ذائقه و شامه ای قوی دارد و با پشتوانه ای که سرشار و پربار از ادبیات کهن ایران است توانسته تغییر را به آوردگاه شعر امروز ایران بیاورد. نیاز به تغییر در واقع نوعی اعتراض است، اعتراض به آن چه که می باید بوده باشد و نیست

بد، دانسته یا ندانسته با مقاومت همراه است، اما باباچاهی ذائقه و شامه ای قوی دارد و با پشتوانه ای که سرشار و پربار از ادبیات کهن ایران است توانسته تغییر را به آوردگاه شعر امروز ایران بیاورد. نیاز به تغییر در واقع نوعی اعتراض است، اعتراض به آن چه که می باید بوده باشد و نیست و آن چه که نمی باید باشد و هست و او درصدد نیست کردن «هستی هایی» است که ادبیات ما را از مؤلفه های شعر جهانی باز داشته است.
باباچاهی شاعری خطرپذیر است و از بدنامی هراسی ندارد و این کار ساده ای برای شاعر بزرگی چون او نیست. او خالق شعر «فرانوگرایی» در ایران است. این کار وی یک روزه یا یک شبه حاصل نشده است و در پاسخ به آن هایی که وی را به سفسطه بازی در شعر ایران متهم می کنند باید گفت وی در حالی گفتمان پست مدرن را در ایران مطرح می کند که بیش از سی سال تجربه و دانش شعری در کوله بارش دارد. شعر باباچاهی شعری نیست که یک پیامبر با رسالت مشخصی داشته باشد. در شعر او واژگان هر کدام شخصیت خودشان را دارند و می توانند در لحظه ای معین در شعر مبعوث شوند.
پس شعر وی شعری است با چندین پیامبر که هم زمان یا بی زمان در لحظه ای مبعوث می شوند و لحظه های معراج شعر را با مخاطب تقسیم می کند. اگر مخاطب مشارکت پذیر باشد شعر را در می یابد و اگر نه آن را بر نمی تابد. بنابراین شعر باباچاهی شعری «مخاطب زده» نیست بلکه هندسه ی پیچیده ای دارد که در هر پیچش آن می تواند برای هر نفر کشف دیگر گونه ای باشد.
تأویل معنا و تصویر و بازی های واژگانی و در هم آمیزی آن ها از یک طرف هنجارگریزی و هنجارستیزی است و از طرف دیگر توجه به ساحت تاریک زبان را به ارمغان آورده است. از نظر او هیچ چیز بی ارزش نیست حتی «هیچ» هم ارزشمند است و می تواند با آن چه را که فکر نمی کنیم به نوعی معنا بخشی و ارزش برسد. شعر او شعر حلقه های معلق است. مخاطب می تواند از این حلقه ها بالا برود و با خلسه ای فلسفی به تأمل بنشیند یا خودش را حلقه آویز کند و یا برگردان از آنها آویزان شود و زمین و زمان را وارونه ببیند و یا بین زمین و آسمان در لحظه ای انفجاری به جایی نامعلوم پرتاب شود.
باباچاهی به کلمات شعر نگاهی جادویی دارد و مانند شعبده بازی است که مدام بر مبنای واقعیت های ساده و پیش پا افتاده واقعیت های شگرف و حیرت آوری خلق می کند. این همان خاصیت پیامبرگونه ی واژه هاست که او برای شعرش قائل است. از همه مهمتر او شاعری است که به شدت متأثر از خودش است و بسی جای شگفتی است که کسانی که وی را نقد می کنند متأثر از او شعر می سرایند.

پوست سیاه و چشم های براق که داشته باشی
کبک ها سفیدتر به نظر می رسند. (باباچاهی، ۱۳۸۹: ۷۳)

باباچاهی شاعر «جستجو» است او مدام دست در گریبان واژه ای دارد که ظرفیت پنهانش را آشکار کند. او شاعر ظرفیت سازی واژه ها است. واژه هایی که به نظر نمی آید جایگاه هنری داشته باشند در شعرش شأن و منزلت هنری می یابند. از همین منظر است که شعر او شعر «بی نشان ها» و «بی نشانه ها» است. او همیشه جایی از شعر را ناتمام می گذارد چون شعر وی با مخاطب تمام و کامل می شود. اگر مخاطب ورزیده باشد شعر تمام می شود و در غیر این صورت شعر همیشه ناتمام خواهد بود، این هم ضعف است و هم قدرت هم خوب است و هم بد:

دریا خبر ندارد که دریاست / تا دیروز که خبر نداشت... / می کوبم بر طبل حلبی که جزر و مد قاطی شود / دریا وحشت کند غرق عرق شود/ سرشان به سنگ بخورد موج ها / خواب از سرشان بپرد / آبی به صورتشان بزنند/ خب! خسته نباشی پسرک مو وزوزی! / گیرم که دریا متوجه بشود که دریاست که یکی از غرقی هاست / به تو چه؟/ ... / تن به معامله نمی دهی انگار؟ نه؟ / آدم های بزرگ لابد چند رقمی اند / یا غرقی اند و بی خبر از همه چیز / یا کم جثه ریز و میز / و مو وزوزی! (همان: ۲۵)

شعر وی هم زمان در چندین زمان غوطه ور است یا گاهی شعر در «خلا» سروده می شود جایی که مکان و زمان از کار می افتد و فقط باید از خاستگاه درون ناپیدا به پیداهای بی زمان و مکان رسید. همین گونه است که گاهی شعر گنگ و مبهم می نماید و خواننده با خوانشی هذیان گونه روبرو می سازد. شعر او عادت گریز و عادت زداست و مخاطبانی که دچار روزمرگی و عادت زدگی هستند به شدت با وی مشکل دارند.
نگاه کنجکاو و جسور او مدام وی را به وادی تجربه گرایی و تجربه اندوزی می کشند و هیچ ابایی هم از این کار ندارد. او به خوبی دریافته است که شعر معاصر ایران دوران گذر و گذار خود را به سوی «فرانوگرایی» می پیماید و این برای تحول شعر بر مبنای ادبیات و فرهنگ قومی لازم است.
باباچاهی به گفته ی خودش مدام «سرنرسیدن» دارد و شتابزدگی وی در شعر «عجله ی خام» نیست بلکه برای مافات لحظه هایی است که در دوره ی گذر و گذار شعر ایران به نوعی فرانوگرایی از دست رفته است. کسی باید در شعر ایران این لحظه های از دست رفته را جبران کند و قرعه به نام باباچاهی افتاده است. «رسیدن» توقف گاه اوست و شعرش را به «ایستایی» می کشاند و در تکاپو باز می ایستد. همین است که شعر او مدام در نقطه ی «نرسیدن» ناتمام می ماند تا مخاطب آن را تمام کند. در واقع او «تمامیت» شعر را در «ناتمامی» جستجو می کند.
پایان را همیشه نامعلوم و بی کرانه می بیند و این یعنی شتاب باید کرد. منزل گاههای شعری او بی نشان و بی نشانه است. چرا که باید این نشان ها و نشانه مخاطب با خود همراه داشته باشد. او در شعر نقب های حسی قدرتمندی ایجاد می کند که هر کس با حس و حال خود با توجه به آدرسی که در جیبش دارد از این خلوت گاههای حسی می تواند ذوق خود را به راهی دل بخواه رهنمون کند و کسی که هیچ نشانه ای با خود ندارد قطعاً در شعر او گم می شود. سردرگم و بی نشان می ماند و این همان نقطه ای است که برخی ناقدان شعر وی را مخاطب ستیز، هذیان پندار و پریشان رفتار قلمداد می کنند.در شعر او علاوه بر سیاست زمان و مکان واژه ها لیز و لغزنده اند. اگر دقت نکنی زود کلمه از دستت در می رود و ذهن مدام درگیر بازی معناها و تصویرها است. البته این لیزندگی واژگان نوعی حس شیطنت و بازی گوشی مبهمی در مخاطب ایجاد می کند که لذت بخش است.
او در شعرش قرار نیست که بومی- جهان باشد بلکه بر این باور است که باید فرانوگرایی را جهان-بومی کند؛ زیرا آینده ی دنیا چیزی جز دهکده ای کوچک نیست که محله ها باید درکی متقابل از هم و هویتشان داشته باشند تا بتوانند از منظرهای متفاوت به رستگاری هم دیگر کمک کنند.

به تازگی مجموعه داستان «پاس عطش» از دکتر علی صالحی، داستان نویس بوشهری منتشر شده است. در زیر داستان «پیغام» برگرفته از این مجموعه داستان را می خوانید.

***

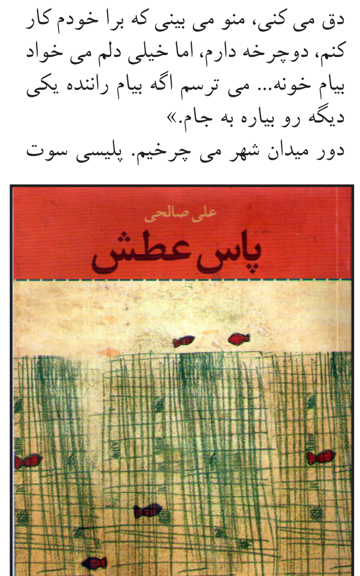


داستان کوتاه

پیغام

دکتر علی صالحی

کاش آن همه راه را برای تشییع جنازه نمی رفتم. اما آخرین وداع بود با دوستم و می ترسیدم تا همیشه حسرتش به دلم بماند. و از آن روز؛ روزی که باران نم نمی روی قبرهای خوابیده در دامنه ی تپه ی قبرستان می بارید، هر جا که رفتم، هر جا که بودم، وقت نگهبانی توی کیوسکی در لبه ی مرز، یا بعدها، نیمه شب ها در حال خواندن درس های پایان ترم در طبقه ی هفتم خوابگاه دانشجویی در شهری هزاران کیلومتر دورتر، صدای حسین با من می آمد. آمده تا حالا.
بهش گفتی؟
لاغر با صورت استخوانی سبزه و موهای ریخته روی پیشانی روبرویم می ایستد، در خواب یا بیداری، هر جا، رو بر می گردانم و چشم بر هم می گذارم... دوباره ظاهر می شود با همان سؤال همیشگی بر لب ها و من هی ریسمان را می گیرم و بر می گردم گذشته را می کاوم بلکه بتوانم در شبی یا روزی کلاف کابوس های عذاب آور را پاره کنم. شاید کمرویی بچگانه نگذاشته من به دختر بزرگ همسایه از آن حرف ها بزنم، شاید هم تا چند روز پس از بازگشتنم نرگس به خانه ی ما نیامده بوده و اگر هم آمده بوده همان موقع من توی باغ و چشمه دنبال پرنده ها و ماهی ها بوده ام غافل که روزی فرا خواهد رسید که تک تک آن روزها را ورق خواهم زد به جستجوی حرفی، سر تکان دادنی، اشاره ای یا لبخندی از نرگس.
باز یاد نمی آورم. هزارمین بار بر می گردم به شب شروع ماجرا، شبی که خسته و کوفته بعد از چند ساعت عقب کامیون برادرم رسیده ایم کازرون با چند تا از دکاندارهای ده، که هر دو- سه ماهی یک بار برای خرید جنس یا به قول خودشان «کارسازی» به شهر می روند و اگر می دانستم در آن تابستان و تعطیلی مدرسه به دامن مادر نمی آویختم تا از برادرم بخواهد که مرا هم با خودش ببرد.
مسافرخانه ی «شقایق» پاتوق همیشگی هم ولایتی هاست. از بس لحظه لحظه ی آن شب را مرور کرده ام، همی حالا خنکای نسیم را بر صورت آفتاب سوخته ام حس می کنم، نشسته روی تخت های پشت بام مسافرخانه و مش هادی که پایین تخت رو به شهر قلیان می کشد و من محوِ چراغ های هزار هزارِ شهر که مثل مورچهِ های زرد کوچک درِ هم می لولند و سیر نمی شوم از تماشای آن همه خانه و آن همه نقطه نقطه هایی که تا دوردست ها می روند...
«شما از پُاریو آمده اید؟»
شاگرد مسافرخانه است که روی نردبان آهنی ایستاده و تنها سرش را از لبه ی بام بالا آورده. برادرم که به آرنج تکیه زده بلند می شود می گوید: «بله، حاج آقا ما رو می شناسن.»
جوانک یکی- دو پله پایین می رود و می گوید:
«ملاقاتی دارین!»
برادرم آرام می گوید: «حتماً حسین اومده.»
کمی بعد حسین بالا می آید. مشتاقانه همه را در بغل می گیرد و می بوسد. انگار صد سال است کسی را ندیده. می گوید: «این دفعه خیلی طول دادین، هر شب از جلو مسافرخونه که رد می شم نگاه می کنم ببینم اومدین یا نه.»
هنوز درست ننشسته اخبار ولایت را می پرسد. برادرم می گوید:
«سلامتی شما، خیلی هم بهت سلام رسونده ان.»
مش هادی می گوید: «مادرت دعات رسوند و گفت اون موضوعی که گفتی به فکرش هستم.»
کمی که حرف می زنند حسین به من می گوید: «دلت می خواد بریم بگردیم؟» به برادرم نگاه می کنم. می گوید: «اگه دلت می خواد برو اما زود واگردین.»
روی میله ی دوچرخه جلو حسین نشسته ام و غرق لذت تماشای تابلوهای روشن مغازه ها هستم. چقدر درخت پرتقال کنار خیابان کاشته اند! کسی نمی چیندشان؟
انگار در آسمان راه می رویم. حسین خمیده دم گوشم نجوا می کند:
«آدم هر جا بره تو هر شهری که باشه دلش برا خونه اش برا کوچه شون تنگ می شه، تو حالا یه روز اومدی اگه یه مدت بمونی دق می کنی، منو می بینی که برا خودم کار کنم، دوچرخه دارم، اما خیلی دلم می خواد بیام خونه... می ترسم اگه بیام راننده یکی دیگه رو بیاره به جام.»
دور میدان شهر می چرخیم. پلیسی سوت



می زند. حسین تند پا می زند و به خیابان پهنی می پیچیم. نفسش که آرام می شود، می پرسد: «راستی خواهرت این ها قالی می بافن؟»
دلم نمی خواهد حرف ولایت را بزند. دوست دارم هی توی شهر بچرخیم و من برای خودم همین طوری نگاه کنم. می گویم: «ها.» می پرسد: «کسی هم می آد کمکشون؟» خیره ی نئون های چشمک زن مغازه ها بی حوصله می گویم: «بعضی اوقات نرگس می آد کمکشون.»
محوطه ی وسیعی که چند ماشین آن جا ایستاده اند. او شاگرد شوفر «سالار جاده» است. کله ی ماشین را از تریلی جدا کرده اند. مثل خروسی که دمش چیده باشند. از ماشین بالا می رویم. پشت فرمان می نشیند و توی لیوان شیشه ای کنار در راننده برایم آب خنک می ریزد. روی در و صندلی ماشین را مخمل و نایلون قرمز کشیده اند. پخش ماشین را روشن می کند. صدای محزون بخشو که فائز می خواند توی اتاقک ماشین می پیچد: «خودم این جا دلم در پیش دلبر...» هیچ حرفی به میانه نمی آید و من جرعه جرعه لیوانم را تمام می کنم. او آرنج تکیه داده به فرمان، کاسه ی دستش زیر چانه، بیرون را نگاه می کند و می پرسد: «فردا می ری خونه؟»
می گویم: «ها.»
می گوید: «خوش به حالت.»
به طرفش می چرخم و می گویم: «اگه کاری چیزی داری بگو؟»
نیم خنده ای بر لب نگاهم می کند و می گوید: «یه کاری دارم ... قول می دی انجامش بدی؟»
فوری می گویم: «ها، اگه بتونم انجام می دم.»
می گوید: «می تونی ... اگه دختر عمو نرگس منو دیدی بگو فلونی خیلی تو فکرته، خیلی دلش تو رو می خواد.»
جواب می دهم: «خاطرت جمع باشه می گم.» لابد به دلخوشی همان «خاطرت جمع» بوده که آن روز از توی قاب عکس فراز دست مردم، گویی از پشت پنجره، سرش را بیرون آورد و پرسید: «گفتی؟» رو برگرداندم تا نبینمش و سعی می کردم به جای صدای او، فریادهای مردم را بشنوم که با هم می خواندند:
«این گل پرپر از کجا آمده؟» بعد هم که دست ها زیر بغل، بالای قبر ایستاده بودم، وقتی جسد کفن پوشش را دیدم، خیال کردم تقلا می کند لایه های کفن را کنار بزند و من وحشت زده دور شدم و نگاهم افتاد به نرگس که میان زن ها ایستاده بود.
به سرم زده بود بروم در حلقه ی زن ها رو به نرگس بپرسم:«بهت گفته بودم، گفته بودم که حسین دلش به تو می کشید؟» اما در آن اوضاع مصیبت بار نمی گفتند دیوانه شده؟ دیگر به سر قبر برنگشتم، ولی صدایش همراه من می آمد آمده تا حالا.
حالا دیگر گریزی نمانده جز همین روگردانی از حسین و زدن به تاریکنای کوچه ای و دوباره فردا روز از پی روز گرم کردن سر به اداره و بانک و ... تا کجا باز وقتی که خسته و دلزده، تنها، در گوشه ی خلوت پارکی روی صندلی تک افتاده ای یله شده ای از پشت درختی نرم بیرون بیاید یا از پشت پنجره ی اتاق کارت توی اداره سرک بکشد یا از هر جا ...، گله مند و منتظر که: «بهش گفتی؟»

محمدرضا صفدری «سنگ و سایه» را منتشر کرد



رمان «سنگ و سایه» محمدرضا صفدری منتشر شد. رمان «سنگ و سایه» نوشته محمدرضا صفدری، در ۱۴۴ صفحه، با شمارگان یک‌هزار و ۶۵۰ نسخه، به قیمت ۶ هزار تومان از سوی انتشارات ققنوس به کتابفروشی‌ها راه یافت.
به گزارش خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)، در بخشی از کتاب صفدری می‌خوانیم: «جست زد رفت بر روی پله دوم قهوه‌خانه ایستاد. ساختمان قهوه‌خانه دیگر که در دست راست بود و کوچه‌ای که از کنار باغ شهرداری می‌گذشت و یک کوچه دیگر که راستاراست جوی آب می‌رسید به نبش دیوار قهوه‌خانه‌ای که از سنگ و گچ بود و او بر پله‌اش ایستاده بود.»
در قسمت دیگری از این اثر آمده است: «از زیر درخت، زوزو، سنگ به سنگ در پی او کشیده شد به بالا جای دره؛ راه باریکه ی سنگلاخ در کنار بیدستان. بیدها خشک و برگ ریخته. دست به هر تنه‌ای که می‌گرفتند، خم می‌شد. در پشت تنه یکیشان پناه گرفتند؛ در جایی که مرز میدان بود و بیدستان.»
محمدرضا صفدری، نویسنده و نمایشنامه‌نویس متولد سال ۱۳۳۲ در خورموج شهرستان دشتی و فارغ‌التحصیل رشته ادبیات نمایشی در مقطع کارشناسی از دانشکده هنرهای دراماتیک است. داستان «شب نشینی»، مجموعه داستان‌های «سیاه سمبو»، «اکو سیاه»، «علو»، «تیله آبی» و «چهل گیسو»، رمان «من ببر نیستم پیچیده به بالای خود تاکم» و نمایشنامه‌های «شام آخر» و «شوراب» از آثار این وی به شمار می‌آیند.

۳ فیلم حوزه هنری بوشهر به جشنواره بین‌المللی ۱۰۰ راه یافتند

رئیس حوزه هنری بوشهر گفت: سه فیلم کوتاه حوزه هنری استان بوشهر به بخش‌های رقابتی و غیررقابتی نهمین جشنواره بین المللی فیلم ۱۰۰ راه یافتند.
سید حسین سیدزاده اظهار داشت: از حوزه هنری استان بوشهر فیلم‌های «قرمز» به کارگردانی حسین کشاورزی و «سیمخانه» به کارگردانی پیام شادنیا، به بخش رقابتی و فیلم کوتاه «نمو» به کارگردانی مجتبی عیوضی به بخش غیر رقابتی نهمین جشنواره بین المللی فیلم ۱۰۰ راه یافتند. وی عنوان کرد: از تولیدات حوزه هنری استان بوشهر ۴ اثر به جشنواره فیلم ۱۰۰ ارسال شده که سه اثر وارد بخش‌های جشنواره شد.نهمین جشنواره بین المللی فیلم۱۰۰ از ۷ تا ۹ اسفندماه در تهران، تالار اندیشه حوزه هنری و همزمان در استانهای دیگر از جمله استان بوشهر توسط حوزه هنری بوشهر اکران خواهد شد.

نسیم جنوب
ویژه بالابان
شماره ۷۲۷– یک شنبه ۴ اسفند
NASIM JANOUB

مصاحبه با فرشید تربیت– بازیگر فیلم بالابان:

به مسئولین خواب زده بفهمانید که مردم مشخص می کنند که کدام فیلم لیاقت اکران دارد



– لطفا خودتان را برای خوانندگان نسیم جنوب معرفی کنید.

– فرشید تربیت متولد شهریور ماه ۱۳۵۳ شهرستان گناوه، دوران تحصیلات ابتدایی و راهنمایی و متوسطه ی خودم را در گناوه سپری کردم و سپس برای شروع شغل معلمی به تربیت معلم خورموج رفتم و فوق دیپلم عربی گرفتم، در سال۱۳۷۳ به استخدام رسمی آموزش و پرورش گناوه در آمدم و دو سال بعد به بوشهر منتقل شدم. در سال ۱۳۷۹ برای دریافت کارشناسی هنرهای نمایشی وارد دانشگاه آزاد واحد بوشهر شدم. پس از آن در همین رشته کارشناسی ارشد خود را دریافت نمودم و در سال ۱۳۸۹ به شاهین شهر اصفهان منتقل شدم. و هم اکنون مدتی است که ساکن هامبورگ آلمان هستم. زندگی هنری من از دوران مدرسه ام در مقطع راهنمایی شروع شد و همچنان ادامه یافت تا در سال ۱۳۷۳ با نمایشنامه «حنجره نی» که نمایش آن توسط حیدر مظفری کارگردانی شد، رسماً وارد کورس تئاتر استان شدم. در سال ۱۳۷۴ با نگارش و کارگردانی نمایشنامه «اشک و جنون» به نمایندگی از استان بوشهر برای اولین بار در تاریخ تئاتر گناوه وارد جشنواره منطقه ای ماهشهر خوزستان شدم. در سال ۱۳۷۶ با راه اندازی گروه «تئاتر خاک» با همراهی دوستان نازنینم، حیدر مظفری، جهانشیر یاراحمدی، علیرضا فرشادپور، وحید امینی زاده، شعله عباس زاده، و... نه تنها قسمتی از کوله بار تئاتر استان بوشهر را بر دوش کشیدیم که به لطف خدای بزرگ موفقیت هایی نصیب استان در جشنواره های متعدد ملی و بین المللی شد. در این فعالیت تا هم اکنون هم ادامه دارد البته اگر چه دور از گروه خاک هستم اما به یاد و همراهی قلبی آن ها دست بر آتش تئاتر دارم.

– در فیلم بالابان چه نقش دارید؟

– من در فیلم سینمایی بالابان نقش آقای بهرامی (معلم شخصیت اول داستان) را داشتم که در طول فیلم او را در قسمت هایی از ماجراهایش همراهی میکرد. و با نظر سیدرضا صافی کارگردان فیلم انتخاب شدم.

– نظرتان درباره کارگردانی سید رضا صافی در این فیلم و فیلمبرداری آن چیست؟

– من کارگردانی سیدرضا رو دوست دارم چون قبل از این کار هم با هم کار کرده بودیم، سید کارش را به خوبی بلد است و از این که در کارگردانی میتوانستم به او اعتماد کامل داشته باشم خوشحالم چون بر روی لحظه به لحظه ی کار اشراف کامل داشت و جلسات توجیهی اش آرام بخش خاطر بازیگران و عوامل بود. در مورد فیلمبرداری نیز چون خودش کنترل میکرد روند خوبی پیش گرفته بود که البته نباید از توانمندی فیلمبردار نیز غافل بود.

– از سختی ها و مکافات این فیلم بگویید.

– خب البته که گفتن از این مکافات های لذت بخش در حوصله ی این گفتگو نمی گنجد ولی از این حال و هوا همین بس که ماجرای کوه و دریای آن واقعا نیرویی مضاعف از تیم فیلمبردار و در کل همه ی عوامل گرفته بود که جز با توکل به خدا و اعتماد به توانایی بچه ها نمیشد به نتیجه مطلوب رسید که خوشبختانه بهترین نماها و سکانس ها و پلان های فیلم همان فضای طبیعت فیلم بود.

– به نظرتان آیا مخاطب می تواند راحت با این فیلم ارتباط برقرار کند؟

– به یقین کامل این اتفاق به راحتی می افتد و مخاطب به راحتی با فیلم ارتباط برقرار خواهد کرد. چرا که تمام نشانه های سینمایی به کار رفته در این فیلم متناسب با فرهنگ بومی است که بدون شک لازم است مخاطب زحمت حضور در سینما را بکشد، با اطمینان با لذت تا پایان فیلم خواهد نشست و از دیدن آن لذت خواهد برد و مطمئن خواهد شد که هزینه ای که کرده بهترین هزینه ی زندگی اش بوده.

– کار هنرمندان بوشهری را در این فیلم چگونه می بینید؟

– چیزی که عیان است چه حاجت به بیان است؟ خوش ساخت بودن این فیلم از همه لحاظ خود موید این ادعا است که هنرمندان بوشهری نه تنها این فیلم بلکه بزرگترین فیلمهای مرکز را نیز میتوانند به اوج برسانند، فقط لازم است به بازی حرفه ای آن ها که ذاتی آن هاست نگاهی انداخت.

– با این همه وسواس در ساخت این فیلم و تهیه یک فیلم عالی، چرا مرکز نشینان این همه نسبت به آن بی مهری کردند؟

– دست رو دلم نذار!... اجحافی که در حق حاشیه نشین های سینمایی کشور میشود آنقدر زیاد است که باید منشور حقوق بشر جدیدی به نام سینماگران شهرستانی نوشت! ضعف مدیریتی عامل اصلی این بی مهری بود و نداشتن رابطه های جان جانی با آقایان تصمیم گیرنده و برنامه ریزی سینمایی کشور است که البته اگر دردم یکی بودی چه بودی؟

– چرا مردم بوشهر باید به دیدن فیلم بالابان بروند؟

– فقط برای لذت بردن از هنر هنرمندان هم استانی شان و اینکه دیدن این فیلم به مسئولین خواب زده خواهد فهماند که مردم (تماشاچی ها) مشخص میکنند که کدام فیلم لیاقت اکران بیشتر را دارد.

– مثل اینکه حسابی از کارگردانی سید رضا صافی راضی هستید. چرا؟

– دوستیش را خیلی دوست دارم، جدی بودنش در کار را بیشتر دوست دارم، خسته نشدنش به همه قوت میداد، توکل کردن اش به خدا و جسارت بی مثالش حالمان را خوب میکرد، و این که عاشق حرفه اش است به همه هشدار میداد که بدون عشق هیچ راهی به سرانجام نمی انجامد.

– سخن آخر؟

– خدا قوت میگم به همه ی بالابانی ها و امیدوارم حقیقت این توانمندی بر مردم عزیزم کشورم بخصوص استان بوشهر روشن بشود و با طیب خاطر سینماها پر از حضور بی بدیل آن ها برای استقبال از این فیلم بشود.

سرم را بلند می گیرم و هیچ پشیمان نیستم

استاد ایرج صغیری

به بهانه بازی در فیلم سینمائی بالابان



من ایرج صغیری، در فیلم بالابان، ساخته سیدرضا صافی بازی کردم دست کم تجربه ای بود برای خودم. ده ها سال بود که بازیگری را تجربه نکرده بودم و بازی در این فیلم فرصتی دیدم برای خود که دست کم خودم را پس از سالها محک بزنم و زدم. سرشکسته نیستم بماند کلی عواید هنری نصیبم شد

«شرکت برخیا» معرف حضور خیلی از بوشهری ها بود و هست که متعلق بود به مرحوم حاجی سیدمحمود صافی. خانواده ای نجیب و شریف گرچه مهاجر بودند اما تمام خانواده، فرهنگ بوشهری را استقبال کردند، پذیرفتند. و به عنوان یک خانواده شریف بوشهری به کار و زندگی در بوشهر پرداختند. خانواده ای نجیب، مؤمن که من هرگز قادر به فراموش کردنشان نیستم.

آغاز آشنایی من با این خانواده به وسیله سیدحسین آغاز شد. یادش بخیر در آغاز انقلاب پرجوش و خروش بود و در کمیته های اولیه انقلاب کلاسی مخصوص سینما و تئاتر ایجاد کرد و از من خواست که آنجا تدریس کنم. من تعداد اندک شاگردان را دلیلی آوردم برای رد کردن این تقاضا، اما سیدحسین پرشور و پرجوش خودش به تنهایی به دنبال یافتن شاگرد راه افتاد و دیری نگذشت که نزد من آمد و گفت «این هم شاگرد دیگه چه میگی؟» وقتی رفتم و با شاگردان بیست، سی نفره کلاس روبه رو شدم دریافتم که این جوان چه شوری برای سینما در سر دارد. به خانه من می آمد (که تازه خانه هم نداشتم) و مرا به خانه پدری اش می برد. فیلم نشانم می داد بیشتر فیلم های سوپر هشت بود آن زمان و کوتاه و ابتدایی با تمام وجود و صداقت به نقدهای من بر آثار اولیه اش که در حقیقت سیاه مشق های او بود گوش می سپرد گوش جان. می اندیشیدم که عاشق واقعی همین است. عادتاً آثاری که با خام دستی ساخته شده باشند تحسین نمی کنم. و رک و راست عیبها را می گفتم. همان جا بود که با سیدرضا برادر کوچکترش آشنا شدم و با خود مرحوم حاجی و با میثم که کوچولو بود آن وقتها. یکی از یکی نجیب تر، شریف تر و صادق تر. مرا نیز شیفته خود کردند. سیدرضا که شروع کرد به فعالیت هم نزد من آمد هیچ کوتاهی نکردم اگر چیزی نگفتم بلد نبودم اما حرمتی که این جوان به من می گذاشت، می اندیشیدم بیش از آن است که باید گذاشت. آن روزها آثار مستند سیدحسین در مجامع بین المللی به نمایش درآمد و جایزه گرفت و من با اشتیاق در خلوت خود به او افتخار می کردم و سیدرضا فیلم های سینمایی را شروع کرد. در آغاز راه بود صد البته کارش هم ایراد داشت اما در مجموع تلاشش عنصری سرشار و مشحون صداقت می دیدی که اجازه نمی داد بی تفاوت بگذری از آن همه شور و اشتیاق و زیبا خواهی و زیباستایی و جستجوگری عشق، که اینها همه در هنر والا و معتبر مانده اند، از دیرباز.

بالاخره یک روز سیدرضا به خانه ام آمد، گمان کنم با خانمش بود که او هم هنرمندی شریف است در میان زنان هنرمند بوشهر. یک سناریو آورده بودند همراه خود و سید رضا با یک شرمندگی خاص خانوادگی اش آرام در لبخندی زاییده شرم و نیاز به سخن آمد که بیا و در فیلمم بازی کن (البته که این را سخت مؤدبانه و محتاط گفت) من در آغاز ماندم و پاسخم را منوط به خواندن متن فیلم کردم، دنبال فرصتی بودم تا به شکلی که آزاردهنده نباشد به او جواب نه دهم و بعد از کلی فکر به این نتیجه رسیدم که مستقیماً نه نگویم، آخر هر چه باشد این پسر سیدمحمود صافی بود. کلی ادعای رفاقت داشتم با پدرش. آن ور قضیه هم برادران نجیب او بودند، جواب نه من به سیدحسین هم بود و به سیدمیثم که نشانه های دلنشینی از پسرم در او می دیدم. کلی بی حیایی می خواهد که رک تقاضای او را رد کنم.

خلاصه اینکه به او گفتم دستمزد من بالاست و رقمی گفتم که به نظرم قادر به پرداختنش نبود، اما او روی دست من بلند شد و فردایش آمد گفت: «فکرهایش را کرده ام استاد، وجود تو در این فیلم بیشتر از اینها هم می ارزد باشد قبول» قافیه را باخته بودم طبق عادت شروع کردم به خواندن متنش، دیدم ارزش دارد و خلاصه اینکه لطمه ای به «نیمچه شهرت» ما نمی زند. اگر بزند هم کم است. فی الجمله خود را قانع ساختم و به سر صحنه اش رفتم و بازی کردم. همسرش این بانوی محترم در تمام صحنه ها همراهش بود و یار و مددکارش. «عشق این خانواده می خوردم» محیط کاری را پاک دیدم، برخلاف محیط کار در سینمای مملکت ما. و می اندیشیدم این همه را آقا سیدرضا از میراث خانوادگی دارد. بیشتر دلگرم می شدم که کارم درست است.

از اینها هم که بگذریم آخر مگر او یک جوان بوشهری نیست که تلاش می کند کاری سالم به وجود بیاورد؟ و حالا من می توانم گوشه ی کوچکی از این بار را به دوش بگیرم. نباید گریخت پس گرفتم، بازی کردم. الان هم هیچ پشیمان نیستم. بماند سرم را بلند می گیرم. بله من ایرج صغیری، در فیلم بالابان، ساخته سیدرضا صافی بازی کردم دست کم تجربه ای بود برای خودم. ده ها سال بود که بازیگری را تجربه نکرده بودم و بازی در این فیلم فرصتی دیدم برای خود که دست کم خودم را پس از سالها محک بزنم و زدم. سرشکسته نیستم بماند کلی عواید هنری نصیبم شد.

دستت درد نکند سیدرضا. کار تو با همه نارسایی هایش اثری صادقانه بود و دلنشین. نه به جوایز کار دارم و نه به توفیق غیر مادی فیلم. بیش از این اگر بگویم ممکن است بعضی از همشهری هایمان به طنز بگویند: «مادری که تعریف دخترش کنه سی راه حوض خوبن» از خود تعریف کردن است به همین دلیل فقط کافی است که بگویم خسته نباشی «آ سید رضا».

گفتگو با امین چاهشوری بازیگر فیلم سینمائی بالابان:

ای کاش بالابان دچار چنین بی مهری هائی نمی شد

– لطفا خودتان را برای خوانندگان نسیم جنوب معرفی کنید.

– امین چاه شوری متولد ۴ اسفند ۱۳۶۳ بازیگری را با بازی در نمایش ها و سریال های استانی و ملی از سال ۷۹ آغازکردم. اولین تجربه ی سینمایی اینجانب افتخار بازی در فیلم سینمایی بالابان به کارگردانی سیدرضا صافی عزیز بود که هم اکنون بر پرده ی سینما بهمن بوشهر در حال اکران است.

– در این فیلم چه نقشی بر عهده دارید؟

–مراحل ضبط این اثر برمیگرده به زمستان ۸۸ و بهار ۸۹ که روزهای پرخاطره اما سخت رو در خاطر همه ی عوامل زنده می کند. نقشی که من عهده دار ایفای آن بودم یکی از زیردستان ناخدا عیوض که متفاوت از دیگر شخصیت های همراه ناخداست. شخصیتی که در کل فیلم صامت است. دیالوگی نمی گوید و تنها با چشم و دست و نگاه های خاص و گاه وهم انگیز و ری اکشن های مرموزانه نگاه مخاطب را به دنبال خود می کشد. خاص بودن این شخصیت برای مخاطب ایجاد جذابیت میکند. این شخصیت دقیقا متفاوت با دیگر شخصیت هایی است که تاکنون من به عهده داشتم.

– مگر قبلا در اجراهای هنری خود، چه نقش هائی را بر عهده می گرفتید؟

– معمولا شخصیت هایی که تاکنون من ایفاگر آن بودم یا کُمیک بوده اند و یا لطافت و شیرینی خاصی داشته که به دل مخاطب می نشسته ولی در بالابان



دقیقا همه چیز برعکس است! بهمین دلیل این شخصیت تصویر متفاوتی را از من برای بیننده به وجود می آورد. تصویری متفاوت از امین چاهشوری که تابحال همواره از من می دیده است!

– پس در این فیلم یک شخصیت خاص دارید؟

– شخصیت های دیگر داستان شاید دو یا چند کاندید برای بازی داشت؛ ولی شخصیت من فقط مال من بود و میشود گفت آقای صافی بر اساس فیزیک و چهره من دست به خلق این شخصیت زده اند.

– چه خاطراتی از بازی در این فیلم دارید؟

– خاطرات ضبط و فشارهای کاری، این روزها با روی پرده بودن بالابان دوباره در خاطر همه ی عوامل فیلم زنده میشود. از پریدن توی آب چند متری بدون داشتن دست شنا گرفته تا بازی دوش به دوش در کنار استاد ایرج صغیری و مهربانی ها و صبوری های سید رضا صافی. بدون تردید این تجربه از شیرین ترین لحظات هنری من به حساب می آید و ای کاش بالابان دچار چنین بی مهری هائی نمی شد.

مصاحبه با حشمت غضنفر بازیگر بالابان:

بالابان سراسر ویژگی و دارای خلاقیت های خاص است



– لطفا خودتان را معرفی و رزومه ی مختصری از فعالیت های هنریتان را ارائه فرمایید.

– حشمت غضنفر هستم و قریب به سه دهه است که در عرصه ی هنرهای نمایشی و فیلم و تلویزیون فعالیت دارم, رشته اصلی و مداوم من بازیگری است, منتهی گه گاهی هم در زمینه های مقاله نویسی و نوشتن نمایشنامه های کوتاه دستی دارم و اخیرا هم متنی را با نام "یانکی" برای اجرای جشنواره ی دانش آموزی نوشته ام که عوامل آن مشغول تمرین هستند.

–با توجه به حضور شما در فیلم بالابان سابقه ی آشنایی و همکاریتان با سیدرضا صافی کارگردان این فیلم را بفرمایید.

– آسیدرضا را سال هاست که می شناسم و ارادت خاصی نسبت به ایشان و خانواده ی محترمشان دارم؛ اگرچه این هنرمند گران ارج در عرصه ی فیلم و سینما فعالیت دارند، منتهی از همان زمانی که در انجمن سینمای جوان حضور داشتند، نه تنها برای ما که بیشتر در عرصه تئاتر فعالیت داشتیم بلکه برای تمامی هنرمندان و مردم شناخته شده بودند. من با سید بزرگوار قبلا در سریال های: "قصه های عباس و یونس" و "شهری در منظومه شمسی" افتخار همکاری داشته ام و از کار با ایشان خیلی لذت می برم.

– ورود شما در پروژه ی بالابان به چه صورت بود؟

– هنوز توی خاطرم هست روزی که در بازار خانم رنجبر را تصادفا ملاقات کردم و بعد از احوالپرسی گفت: آقا سید دارد روی فیلمنامه ای کار می کند که از همین حالا یکی از کاراکترها را بر اساس فیزیک و روحیات شما طراحی کرده و می نویسد و در واقع من از اولین کسانی بودم که برای بازی در فیلم کاندیدا شدم.

– در فیلم بالابان نقش خاصی داشتید, چگونه به درک آن و ایفای نقش رسیدید؟

– خدمتتان عرض کردم وقتی آقا سید نقش من را برایم تشریح و آنالیز کرد, از همان سخنان اولیه ایشان متوجه شدم باید خودم را برای کاری خاص آماده کنم و از آنجائیکه همواره به دنبال شخصیت های متفاوت در فیلم و تئاتر بوده و اصولا کارهای ویژه و سخت را به کاراکترهای سهل و کلیشه ای ترجیح می دهم, شروع به تمرین های لازم برای نزدیک شدن به نقش کردم و با هدایت جناب صافی توانستم کاراکتر «عطـــاء» را به مخاطب ارائه نمایم, امیدوارم که هم آقای صافی به عنوان کارگردانِ من و هم مخاطبینِ فیلم از ارائه ی این نقش راضی باشند.

– ویژگی های این فیلم را بیشتر در چه بخشی می بینید؟

– خواهش می کنم هیچ فیلمی را به صورت مجرد و به تفکیک کلیه بخش ها و عوامل آن تحلیل نکنید. اگرچه عملاً این کار صورت می گیرد و بخش های مختلف یک فیلم و بالاخص عناصر کارگردانی, فیلم برداری, بازیگری و ... مورد بررسی و حتی اعطای جایزه قرار می گیرند, مع الوصف معتقدم فیلم و ویژگی های آن را می بایست از منظر کلی و به صورت جامع مورد بحث قرار داد. در واقع شما به یک فیلم, واژه های خوب, متوسط, ضعیف را اطلاق می کنید و بعداً به اجزاء آن و نقد آیتم ها می پردازید؛ بنابراین به زعم من بالابان سراسر ویژگی و دارای خلاقیت های خاص است. دوربین تحت فرمان کارگردان توانمندی است که با جرأت و قدرت به هم پالکی های فیلم های آپارتمانی ندا می دهد از آن چهار دیواری بیائید بیرون. خلاقیت های کارگردان در روایت قصه و ایجاد صحنه های اکشن و هدایت بازیگران در چارچوب قاب های تصویری کاملا مشهود و هویداست.

– تعامل شما با کارگردان فیلم ضمن کار چگونه بود؟

– جناب صافی کارگردانی مجرب و مولف است. او مدیری با تدبیر و کاردان در عرصه ی اداره ی صحنه و بازیگران و سایر عوامل است. شخصیت ها را برای بازیگران کاملاً واکاوی نموده و با آنها به بحث و تبادل نظر می نشیند و این قاعده ی کارگردانی اوست؛ هیچ استثنایی وجود ندارد و من هم از این شیوه مستثنی نبودم و تنها وجه افتراق من احترام خاصی است که آقا سید نسبت به من داشته و پیوسته موجب شرمندگی بنده می شوند. تفاهم و دوستی و ارتباط جمعی مطلوب موجب رفاقت و تعامل بیش از حد ایشان و همه ی عوامل است.

– بازتاب و خروجی فیلم بالابان را در افکار عمومی چگونه دیدید؟

– ببینید وظیفه ی هر هنرمندی ابتدا ایجاد یک اندیشه ی بدیع و خلاقانه و انتقال آن به مخاطب است و دوم تدبیر و سیاست اوست که می بایست از این طریق زبان مشترکی را با مردم و مخاطبین پیدا کند. محصول رنج و زحمات بی دریغ کارگردان و همه ی عوامل، تولید بالابان بود که آن زبان مشترک را با همه ی آنهایی که فیلم را دیدند ایجاد نمود و آنها به دیگران هم توصیه کردند که حتما فیلم را ببینید.

– با تشکر از شما در کلام آخر اگر سخنی دارید بفرمایید؟

– در این سال ها که مقطعی نامطلوب برای رسانه های تصویری و بالاخص سینماست و شکاف و قهر عمیقی بین مخاطب و سینما ایجاد شده است، شکوه و عظمت یک فیلم و تنوع تصویری, وجه تمایز آن با کلیشه ها و فیلم های آپارتمانی و ایستاست. مخاطب هزینه می کند تا فیلم کیفی و خوب ببیند. وظیفه ی فیلم ساز جذب و ایجاد کشش و کشمکش در تماشاگرست. او باید با ترفند های نو, مطالعه شده, قابل باور و با عنایت به فرهنگ و اقلیم یک جامعه و سرزمین موجب توجه و استقبال مخاطبِ خود را فراهم آورد. در انتهـــا برای همهٔ هنرمندان کشور و علی الخصوص استانم آرزوی پیروزی و بهروزی دارم و موفقیت بالابان را به جناب آقای صافی و همه همکاران تبریک عرض می کنم.

دلنوشتهٔ کیانوش قنبری– دستیار دوم کارگردان فیلم بالابان:

فیلم بالابان با خون دل ساخته شد!



شب را توی دفتر فیلم سازی آقای صافی (نویسنده، تهیه کننده و کارگردان فیلم بالابان) می خوابیدیم تا یه وقت صبح خواب نمونیم. اغلب ساعت ۵:۳۰ تا ۶ صبح بیدار می شدیم و می رفتیم سمت خط ساحلی (جاده سمت دلوار تا کنگان) تا بتونیم از اولین روشنائی های نور روز استفاده کنیم. همین که به تپه ها و کوهها می رسیدیم، پیاده می زدیم به بیابان و کوه تا بلکه با چند ساعت پیاده روی و عکاسی و فیلم برداری از کوهها و تپه ها و بیابان، سیّد نهایتا یک یا چند قابِ تصویر انتخاب کند. یعنی ۷ ساعت پیاده روی توی بیابانَ برای تنها ۲۰ ثانیه استفاده در یکی، دو پلان از فیلم.

این را گفتم تا پی ببرید برای ساخت این فیلم ۱۰۳ دقیقه ای، ما باید چه مدت دنبال لوکیشن می گشتیم! این شد که ما (سید رضا، همسرشان و من) حدود دو سال را صرف پیدا کردن لوکیشن های فیلم بالابان در استان بوشهر و گاهی استانهای همجوار کردیم. در این بین انتخاب و کَستینگ بازیگران که حساسیت سید برای انتخابشان از لوکیشن بیشتر بود، خود ماجراهائی جداگانه دارد! بطوری که بعد از کامل شدن تیم بازیگرانِ پروژه، فقط انتخاب نقش شاهین (شخصیت اول فیلم) به تنهائی حدود هفت– هشت ماه زمان برد تا آقای صافی به حضور بازیگرِ فعلی رضایت دهند! جالب اینجاست که برای انتخاب تنهاَ همین بازیگر از حدود ۳۰۰– ۴۰۰ پسر نوجوان تست گرفته شد. نمی خواهم زیاد این نوشته را طولانی کنم؛ اما درد دل دارم...

فیلم بالابان با خون دل سید ساخته شد! بعد از آن همه صرف زمان و انرژی، به آستانه ی فیلم برداری رسیدیم. همه ی کارگردانهایی که خودشان تهیه کننده هم هستند، سعی بر این دارند که زودتر کار را به قول خودشان جمع کنند تا از نظر مالی به سود و نفعشان باشد. اما سیّد حتی از کلمه ی جمع کردن فیلم هم متنفر بود؛ چون معتقد بود که بالابان مانند فرزند اوست و باید به بهترین شکل ممکن تربیت شده و روی پای خود بایستد! همین مسئله دلیلی شد که مرحله فیلمبرداری بالابان بیش از حدی که در برنامه ریزی پیش بینی شده بود به درازا بکشد! خدا را شاکرم که بالاخره با پافشاری و از خودگذشتگی سیّد و همسرشان خانم رنجبر که در هیچ شرایطی کارگردان ما را تنها نگذاشت، فیلم به پایان رسید اما با تحمل بدهکاری و بار مالی فراوان..! سفارش دهنده ی فیلم هم با اینکه بالابان نمره ی بسیار خوبی را در ارزشیابیِ کیفیت گرفته بود، از حمایتهای لازم دریغ نمود! بالاخره پس از مشکلات مالی پیش آمده، بالابان همانطور که سید انتظارش را داشت مانند فرزند رشیدی به بلوغ رسید و قد کشید؛ اما چه سود؟؟؟

این فیلم در زمانی ساخته شد که مدیرانی بشدت سیاسی بر مسند فرهنگ و هنر و سینما حاکم بودند! مدیرانی که بشدت سلیقه ای و از دریچه تنگِ سیاست بازی با مقوله فیلم و سینما برخورد می کردند. این مسئولین براحتی سَـرِ هر فیلمی را که میخواستند، می بُریدند و در انتها، کاری کَردند که حتی علیرغم شایستگی های برجسته این فیلم، بالابان متاسفانه با بی مِهریها و محدودیتهای فراوانی مواجه شد!

اکنون باید منتظِر ماند و دید که چه تعداد مخاطب از فیلمی این چنین شریف استقبال خواهند کرد؛ تا مگر فرصت عرضه و اکران در سراسر کشور برای درخشش های آینده آن فراهم گردد. درصورتیکه همه ما بهتر میدانیم که اگر حتی یک نامِ آشنا و شناخته شده در تیتراژ آن به چشم میخورد، هیچ مَسئولی اینچنین نسبت به آن جفا و بی مِهری نمی کرد.

به امید روزهایی بهتر برای سینما که می دانم در راه است...

«بالابان» دانش آموزان بوشهری را سر ذوق آورد

این روزها اکران فیلم سینمایی «بالابان» در بوشهر دانش آموزان زیادی را از سراسر استان به سینما بهمن بوشهر کشانده است. مریم رنجبر کارشناس هنری اداره کل آموزش و پرورش استان بوشهر در رابطه با اکران این فیلم به سوره سینما گفت: بعد از اکران این فیلم در جشنواره بیست وپنجم کودک ونوجوان و استقبالی که از آن شد طرحی آماده کردم به نام اردوی یک روز با سینما برای دانش آموزان بوشهری که چون فیلم استانی است و هنرمندان بومی نقش آفرین و عوامل آن بودند مسئولان حمایت قابل توجهی در این امر داشتند و از بهمن ماه فیلم به نمایش درآمد. مشاور فیلمنامه «بالابان» اظهار داشت: خوشبختانه از سوی دانش آموزان هم استقبال خیلی خوبی صورت گرفت ابتدا با توجه به محتوای فیلم تصمیم داشتیم اکران را به دانش آموزان متوسطه اختصاص دهیم تا اینکه بعد از مدتی نامه های درخواست از سوی مدارس مختلف ما را بر این داشت تا برای دانش آموزان پنجم و ششم دبستان هم فرصت نمایش قرار دهیم. استقبال مردم از «بالابان» نشان داد خانواده ها به فیلم های ژانر کودک و نواجوان بسیار علاقمندند و جای خالی آن بین مردم احساس می شد. ما با اکران این فیلم شاهد آشتی کودکان با سینما بودیم. گاهی اوقات که به سینما میروم میبینم بچه ها خیلی خوب با این فیلم ارتباط برقرار کرده اند. یک سوم بهای نمایش فیلم به عهده دانش آموز است و مدارسی که از شهرهای اطراف می آیند نصف هزینه ایاب و ذهاب با مدارس است.

نگاهی به برنامه «چشم انداز»، کاری از سیمای مرکز بوشهر:

برنامه ای موفق برای ایجاد نگاه تخصصی به مسائل استان بوشهر

خلیل کاکی زاده: برنامه چشم انداز چهارشنبه هر هفته ساعت ۱۹/۳۰ از سیمای مرکز بوشهر پخش می شود. این برنامه در حال حاضر بهترین و تخصصی ترین برنامه شبکه استانی بوشهر است که به حق از جایگاه علمی بالایی برخوردار می باشد به گونه ای که می توان آن را مشابه برنامه «پایش» شبکه سراسری اما در محدوده استانی قلمداد نمود، ارزشمندی این برنامه به شناخت و درک تهیه کننده و کارگردان آن سعید بردستانی و کارشناس مجری توانمند آن سیدجمال الدین عارف زاده برمی گردد.

پخش این برنامه به مردم استان کمک کرده که به خوبی در



جریان مسائل اقتصادی و چالش های مربوط به آن قرار گرفته و به طور تخصصی مشکلات اقتصادی در بخش های گوناگون صنعت، معدن و تجارت، کشاورزی و شیلات و حتی نفت و گاز و سایر بخش های دیگر قرار گرفته و درک نمایند و بستر مناسب برای قضاوت در مورد میزان توانمندی مدیران و کارآمدی آنان برای مردم فراهم گردد.

حضور پررنگ صاحبنظران اقتصادی بومی که دلیلی بر وجود منابع انسانی جهت استفاده در بخش های مختلف مدیریتی است یکی دیگر از محاسن این برنامه می باشد و تسلط کارشناس مجری برنامه و اشراف ایشان بر مسائل گوناگون به ویژه در بخش اقتصادی باعث شناخت بیشتر صاحب نظران بومی جهت استفاده در پست های کلیدی استان گردیده علاوه بر این نقد منصفانه ی مسائل استان، بستر شناسایی راهکار برون رفت از بحران اقتصادی و مشکلات را نیز فراهم ساخته است.

ترکیب حضور متخصصان و مدیران و همچنین آگاهی و تسلط کامل کارشناس مجری برنامه بر موضوعات برنامه که براساس نیاز روز جامعه می باشد به غنای این برنامه افزوده است به طور مثال بررسی لایحه بودجه ۹۳ در هفته های اخیر با رویکرد استانی که به تمام نکات تقریبا پرداخته شد از جذابیت های تخصصی این برنامه بود. کسب رتبه ۷ در افزایش بودجه ۹۳ نسبت به بودجه ۹۲ برای استان بوشهر اگر چه نویدبخش است اما این رتبه با احتساب طرح های ملی نفت و گاز در استان کسب گردیده که دارای منافع ملی می باشد.

در برنامه دیگری به حقوق شهروندی و بررسی و نقد منشور تدوین شده توسط دولت تدبیر و امید پرداخته شد که در نوع خود از نظر فرهنگ سازی و آگاه سازی مردمی کم نظیر بود و به جرأت می توان گفت به غیر از شبکه سراسری، استانهای دیگر به این موضوع توجهی نکرده اند.

در این برنامه مطالبات قانونی مردم نسبت به یکدیگر و دولت و برعکس حق دولت نسبت به مردم مورد نقد و بررسی کارشناسانه قرار گرفت.

پرداختن به کیفیت خروجی دانشگاههای استان به عنوان تأمین کننده منابع انسانی بومی به عنوان یک اصل مهم در توسعه اقتصادی پایدار و اشتغال از موضوعات مهمی است که به دفعات در این برنامه مورد توجه قرار گرفته و به خوبی این نکته ظریف را که منابع انسانی منشأ توسعه اقتصادی و توسعه استان می باشد با دقت تمام مورد نقد و بررسی قرار داده است. وضعیت موجود دانشگاهها در خروجی آنان نیز مورد نظر کارشناسان تحلیل شده و راهکارهای مهمی نیز پیشنهاد گردیده است.

لذا در ادامه این برنامه می تواند در ارتقاء سطح نگرش و ایجاد نگاه تخصصی نسبت به مسائل استان در مردم نقش بسزایی داشته باشد.

امید است لاوری مدیرکل صدا و سیمای مرکز بوشهر که در اجرای این برنامه خوب اقدام نموده است ضمن توجه بیشتری نسبت به پخش زنده این برنامه در زمان مناسب تر که امکان استفاده برای مخاطبان بیشتری فراهم می گردد، اقدام نماید. همچنین لازم است از مدیرکل صدا و سیمای مرکز بوشهر، تهیه کننده و مجری آن و دیگر دست اندرکاران این برنامه به واسطه اجرا و پخش این تنهاترین برنامه اقتصادی استان، تشکر و قدردانی نمود.

درخواست تعدادی از روستاهای بخش مرکزی جم بوشهر

دغدغه های بزرگ مردم زحمتکش روستاهای جم

تعدادی از روستاهای بخش مرکزی جم بوشهر در نامه ای به استاندار بوشهر، برخی از معضلات روستاهای خود را مطرح و خواهان حل مدبرانه ی آن توسط استاندار دولت امید شدند.

به گزارش آوای جم؛ در این نامه، شوراهای روستایی شهرخاص، آبگرمک، کوری حیاتی، باریکان، چم چشمه، بندانو، تل قلعه، دره چاه، حسین آباد، گوچو خرزهره، نیلاب و چم دره از وضعیت اسفناک مخابرات و نبود سیستم ارتباطی (تلفن ثابت و همراه)، معضل آب و راه ارتباطی، سرنوشت مبهم عوارض آلایندگی و بیکاری جوانان روستایی، انتقاد و خواستار توجه دولت تدبیر و امید به این روستاها شدند. متن نامه ی ۱۲ روستای بخش مرکزی به استاندار بوشهر به شرح زیر است:

بسمه تعالی

ای مالک؛ برای دورترین مسلمانان همانند نزدیک ترین آنان، سهمی مساوی از بیت المال وجود دارد و تو مسئول رعایت آن می باشی؛ امام علی(ع)

استاندار محترم بوشهر جناب آقای دکتر سالاری

با سلام و ادای احترام، اینک که پس از یک انتخابات شکوهمند و استقرار دولتی مدبر و امید آفرین در نظام مقدس اسلامی، بارقه های امید دیگر بار درخشیدن گرفته است بر آن شدیم تا به نمایندگی از مردم روستاهای پایین دستی بخش مرکزی شهرستان جم، دغدغه های بزرگ مردم زحمتکش این روستاها را به محضر نماینده ی عالی دولت در استان بوشهر اعلام نموده و امیدوار به تدبیری نیک از منتصب نیک دولت در استان زرخیر جنوب باشیم. تا شاید عقده های چند ساله ی این مردم در دولت تدبیر و امید به شادی بدل گردد.

جناب آقای استاندار؛ همانگونه که مستحضرید بیش از ۱۰ روستای بخش مرکزی شهرستان جم با جمعیت چندین هزار نفری سالهاست با تبعیضی خواسته یا ناخواسته از برخی حقوق حقه ی خود محروم گردیده است. حقوقی که در دنیای امروز از بایدهای بدیهی برای یک انسان است و با تاسفی دردناک، روستاهای بخش مرکزی جم، سالیانی است که از آن محروم گشته اند. و صد البته که فریادهای این مردمان تاکنون راه به جایی نبرده است.

اما اکنون که حضرتعالی در نخستین روزهای مسند نشینی، مرکز استان را به قصد جم ترک گفته و خود را مهیای خدمت و حل مشکلات مردم، نموده اید، فرصت را غنیمت دانسته تا با سیاهه ای، اهم مشکلات بیش از ۱۰ روستای بخش مرکزی شهرستان جم را در ۵ بند، مطرح و خواهان یاریتان شویم:

۱. عدم وجود سیستم ارتباطی در بیش از ۱۰ روستا:

اکنون چندین سال است که بیش از ۱۰ روستای بخش مرکزی جم از کمترین امکانات ارتباطی برخوردار نیستند. روستاهایی که تاکنون از تلفن ثابت بی بهره مانده اند و مخابرات استان و شهرستان جم نیز بر مبنای حسابگری های سودمدارانه! از ارائه ی خدمات به این روستاها سرباز می زند. این در حالی است که بسیاری از مردم روستاهای پایین دستی بخش مرکزی جم، حتی از آنتن دهی موبایل نیز بی بهره بوده و در دهکده ی جهانی ارتباطات، نمی توانند با همسایگان خود ارتباط تلفنی داشته باشند.

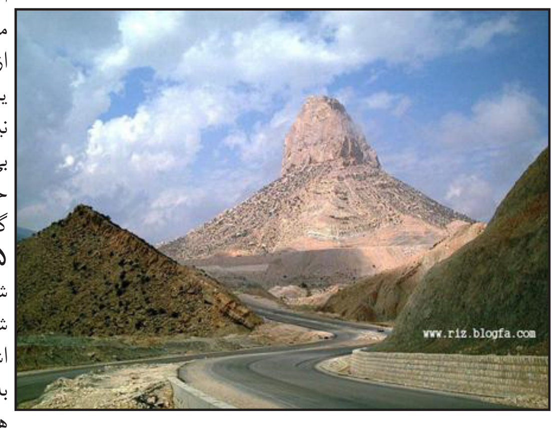
و دردناک تر اینکه؛ دولت مصمم است تا خدمات خود را الکترونیکی ارائه دهد در حالی که فرزندان روستاها نه تنها از اینترنت که لازمه ی دریافت بسیاری از خدمات است محرومند که حتی از تلفن ثابت نیز بی بهره اند.

مخابرات شهرستان نیز برای آنکه هزینه ای را بابت خدمات دهی تلفن های کابلی به دوش نکشد سیستم های مضحک و "من درآوردی" بیسیم را عرضه می کند که نه دارای آنتن دهی است و نه می توان از خدمات جانبی آن چون اینترنت و ... استفاده کرد. سیستم هایی که بارها با اعتراض مردم و حتی مسئولین شهرستان مواجه گردیده است.

آنچه اکنون اما واقعیت بی چون و چراست اینکه؛ بیش از ۱۰ روستای بخش مرکزی از امکانات ارتباطی مناسبی برخوردار نیستند و این برای ایران اسلامی نازیباست.

۲. راه خطرناک و غیر استاندارد جم به ریز:

راه غیر استاندارد جم به ریز که سالیان درازی است جولانگاه وسایل سبک و سنگین شرکت های نفت و گاز است، تاکنون خانواده های بسیاری را داغدار ساخته است. متاسفانه سال هاست نهادهای دولتی با پاسکاری های بی مورد، از اصلاح این مسیر هولناک سرباز زده اند و این راه هم چنان به دلیل پیچ های خطرناک و عرض کم، جان



مردم را تهدید می کند.

بی شک اصلاح این مسیر می تواند امنیت، رفاه و صرفه ی اقتصادی را توأمان تضمین نموده و رونق هر چه بیشتر تولید نفت و گاز را نیز به همراه آورد. آنچه مشخص است اینکه شرکت های نفت و گاز مستقر در شهرستان چون فجر جم و نار و کنگان می بایست با توجه حداکثری به محیط پیرامونی خود، گام هایی بزرگ و اساسی در توسعه ی روستاهای همجوار و اصلاح مسیر هولناک جم به ریز بردارند.

۳. سرنوشت مبهم عوارض آلایندگی :

همان گونه که حضرتعالی نیز استحضار دارید پس از کش و قوس های فراوان و اجماع عمومی، بخشی از حق قانونی عوارض آلایندگی سال های ۸۴ تا ۸۷ از شرکت پالایش گاز فجر جم اخذ گردید، حقی که می تواند بخشی از تاثیرات جبران ناپذیر صنعت نفت و گاز را بر شهرستان و خصوصا روستاها التیام بخشد. هرچند شرکت فجر جم در حال پرداخت عوارض آلایندگی به شهرستان می باشد اما به نظر می رسد روستاها از این حق محروم گشته اند و تلاش ها برای دریافت حق روستاها از عوارض آلایندگی بی نتیجه بوده است.

شایان ذکر است در سال های گذشته نیز عوارض آلایندگی دریافتی از فجر جم، در پروسه ای مبهم و ظالمانه از روستاها دریغ شد تا این گمان قوت یابد که این بار نیز سرنوشت عوارض آلایندگی به گذشته پیوند خواهد خورد.

البته برخی شرکت های مستقر در شهرستان چون منطقه ی عملیاتی نار و کنگان با ایجاد حاشیه ی امن و انتساب خود به استان فارس، تاکنون از پرداخت حقوق قانونی به شهرستان جم امتناع کرده اند که امید است این موضوع نیز با درایت حضرتعالی حل و فصل گردد.

۴. وضعیت اسفناک آب روستاها:

بی شک واقفید که شهرستان جم تا کمتر از ربع قرن پیش، منبع عظیم آب های فرازمینی و فرو زمینی بوده است و همگان جم را با آب های سرشار و سرسبزی اش می شناختند. اما متاسفانه بی تدبیری و بحران مدیریت در حوزه ی آب شهرستان جم و برداشت بی رویه و غیر معقول شرکت های نفت و گاز از آب های منطقه، باعث گردید تا دو دشت از سه دشت ممنوعه در سال های اخیر نصیب جم گردد. در این میان ضعف حداکثری مدیریت و بی توجهی به هدر رفت آب، سبب شد تا در سال های اخیر روستاییان بیشترین آسیب را از بحران آب و مدیریت، متحمل گردند، به طوری که هم اکنون بسیاری از روستاهای شهرستان جم در هر ۴۸ ساعت فقط یک یا دو ساعت از آب برخوردار هستند و برخی روستاها نیز به دلیل نواقص فنی در لوله کشی، از آب روستایی بی بهره اند. لذا انتظار داریم با توجه به اهمیت موضوع، حل مشکل آب، به صورت ویژه در دستور کار قرار گیرد.

۵. بیکاری جوانان روستایی:

شهرستان جم با میزبانی و همجواری شرکت ها و شهرک های نفت و گاز، می تواند بهترین بستر را برای اشتغال حداکثری جوانان فراهم سازد. امری که متاسفانه با وجود مصوبات متعدد و دستورالعمل های ابلاغی هم چنان در حد شعار باقی مانده و بیکاری جوانان شهرستان و خصوصا روستاها نمود بارز آن است.

این وضعیت در حالی است که استخدام های سلیقه ای در بسیاری از شرکت ها هر روز در حال رخ دادن است و سهم مردم شهرستان و جوانان روستایی از این استخدام ها نزدیک به صفر است. امری که می تواند اعتماد و امید را نابود و تبعیض را در جامعه نهادینه سازد.آنچه مبرهن است اینکه روستاهای بخش مرکزی شهرستان جم به دلیل همجواری با شرکت های نفت و گاز، بیشترین آسیب را متحمل می گردند و شایسته است سهمی از استخدام های شرکت هایی چون نار و کنگان و فجر جم با رعایت ضوابط استخدام و نه بر اساس سلایق به روستاهای بخش مرکزی تعلق یابد.

و اما جناب آقای استاندار؛مردم روستاهای بخش مرکزی شهرستان جم دولت یازدهم را دولت تدبیر و امید می دانند و خواهان اقدام عاجل و خالصانه ی نماینده ی شایسته ی دولت در رفع مشکلات و دغدغه های بزرگ خود هستند. امیدواریم که خداوند شما را در راه اعتلای کشور و نظام و خدمت به مردم موفق بدارد.

جمعی از شوراهای اسلامی بخش مرکزی جم

عسلویه، عزیز برای مردم بوشهر

دکتر کیوان آقایانی

چندی است که از جریان ملحق شدن استان فارس به خلیج پارس می گذرد، کاری که به واسطه اعتراضهای مردم و با روی کار آمدن دولت تدبیر و امید و صد البته به واسطه خردمندان و حقوقدانان استان هرمزگان و با یکدل و یکدست شدن مردم آن دیار، فعلا خبری از اجرائی شدن آن نیست. این کار به گمان مردم هرمزگان به وسیله استاندار فارسی استانشان در زمان احمدی نژاد و با هماهنگی نمایندگان استان فارس و به دور از اطلاع مردم استان هرمزگان صورت گرفت و در روزهای پایانی دولت اصولگرای آقای احمدی نژاد مهر تأیید نیز بر آن زده شد.

با این توضیح اگر اندکی به گذشته برگردیم و در سالهایی که همسایه شمالی چشم به خاک استان ما داشت، چه زیبا در آن زمان در تنها هفته نامه موجود در استان، روزنامه نگارانی همچون عبدالکریم جعفری این هشدار را به جامعه و مردم بوشهر دادند و مردم را در جریان این امر گذاشتند و به حمدالله تمامی اقشار در هر گروه و صنف و با هر گرایش سیاسی یکدل و یکصدا نسبت به این امر دست به اعتراض زده و از جدایی عسلویه عزیز از استانمان جلوگیری کردند. در واقع مردم استان بوشهر از دیلم تا نخل تقی و از بندر بوشهر تا دالکی در چهار گوشه استان چقدر زیبا، یکدل و یک رنگ به این کار، جواب تلخ «نه» را فریاد زدند که به حمدالله بعدها با روی کار آمدن نمایندگان خوب در مجلس، دیگر این دغدغه در ذهن مردم کمتر شد. باری چون نیک بنگری متوجه می شویم که مردم استان ما عسلویه را همچون تنب کوچک و بزرگ و ابوموسی که جان و پوست و استخوان برای مردم ایران است دوست دارند و جزء جدایی ناپذیری از خاک و دیار خود می دانند. مثال این داستان به اعتراض و تجمع قانونی دانشجویی با سخنرانی دکتر خلف پور در همان سالها می توان اشاره نمود.

در همان زمان بنده در هفته نامه نسیم جنوب پیشنهادی به اعضای شورای شهر دادم که این تقاضا کماکان به قوت خود باقی است و از آنها خواستم که اسم یکی از خیابانهای اصلی مرکز استان را به نام عسلویه گذاشته از این طریق ضمن احترام گذاشتن به افکار عمومی مردم، از اهمیت آن منطقه برای مردم استان بوشهر خبر دهند. چقدر ساده لوحانه است که ما فکر کنیم که همسایه شمالی ما از وصل شدن به دریا چشم پوشی خواهد کرد و جا دارد امروز که دولت تدبیر و امید بر روی کار آمده و استانداری، از میان مردم و سرزمینمان نیز انتخاب گردیده، از این برادر بزرگوارمان بخواهیم که در این موضوع به شدت حساسیت خاص داشته تا ضمن گرفتن امتیازات بیشتر برای استان، از این سرزمین طلایی در برابر افرادی که شاید هنوز امیدی به دسترسی آب خلیج پارس از طریق خاک ما را دارند، حمایت کنیم.

جا دارد در اینجا یک بار دیگر از شورای شهر بوشهر، بخصوص از عبدالخالق برزگر زاده، ریاست شورای شهر که از نیروهای باتجربه و دلسوز استان می باشد بخواهیم که یکی از خیابانهای بندر بوشهر یا یکی از میادین، پارکها یا هر مکانی که به هر شکل ممکن یادآور عسلویه عزیز برای مردم این دیار است را به نام آن منطقه کند. باشد که از این طریق به یکی از دغدغه های مردم استان توجه نموده و به خواسته های آنها نیز لبیک گفته است.

تاثیر رضایت شغلی بر کارکنان و اهداف یک سازمان

فاطمه شیخ ابولی
کارمند دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

سازمانها امروزه تحت تاثیر عواملی از قبیل افزایش رقابت جهانی، دگرگونیهای ناگهانی ، نیاز به کیفیت و خدمات پس از فروش، وجود منابع محدود و.... زیر فشارهای زیادی قراردارند. بنابراین اگر سازمانی بخواهد در امور کاری و اقتصادی خود پیشتاز باشد و در عرصه رقابت عقب نماند، باید از نیروی انسانی متخصص خلاق و با انگیزه بالا برخوردار باشد.

رضایت از شغل یکی از عوامل بسیار مهم در موفقیت شغلی و عاملی است که باعث افزایش اثر بخشی، کارایی و بهره وری سازمان و نیز احساس رضایتمندی فرد می شود. رضایت شغلی مجموعه ای از احساسات و باورهاست که افراد در مورد مشاغل کنونی خود دارند. رضایت شغلی یعنی دوست داشتن شرایط و الزامات یک شغل ، شرایطی که در آن کار انجام میگیرد و پاداشی که برای آن دریافت می شود. موفقیت و سودآوری سازمانها در گرو استفاده اثر بخش از نیروی انسانی است. موفقیت هر فرد در سازمان نیز به روحیات، تلاش، انگیزه و رضایتمندی او بستگی دارد مهمترین عامل در تضمین هماهنگی رضایت آمیز انسان با کارش، علاقه او به شغل و حرفه است. وجود علاقه کارکنان در هر سازمان، ضامن حصول رضایت از کار است و وجود رضایت موجب آن میشود که شخص بهتر بتواند خود را با کارش منطبق و سازگار کند.

کینزبرگ و همکارانش رضایت شغلی را به دو نوع مختلف تقسیم بندی کرده اند:

الف)رضایت درونی : از دو منبع به دست می آید. اول احساس لذتی که انسان صرفاً از اشتغال به کار و فعالیت عایدش میشود و دوم لذتی که بر اثر مشاهده پیشرفت و یا انجام برخی مسئولیت های اجتماعی و به ظهور رساندن توانایی ها و علائق فردی به انسانی دست می دهد

ب)رضایت بیرونی: که با شرایط اشتغال و محیط کار ارتباط دارد و هر لحظه در حال تغییر و تحول است. از عوامل رضایت بیرونی می توان به شرایط فیزیکی محیط کار ، میزان دستمزد و پاداش ، نوع کار و روابط موجود بین کارکنان و مدیر اشاره کرد

عوامل موثر بر رضایت شغلی :

مطالعات و بررسی های مختلف در زمینه رضایت شغلی در سازمانها نشان میدهد که متغیرهای زیادی با رضایت شغلی مرتبط است که این متغیرها را می توان در چهار گروه طبقه بندی نمود:

الف–سازمان ب– محیط ج– ماهیت کار د– عوامل فردی

سازمان : بعضی از عوامل سازمانی که منبع رضایت شغلی هستند عبارتند از:

• حقوق و دستمزد ، •ترفیعات •خط مشی های سازمانی

محیط : عوامل محیطی شامل موارد زیر است :

•سبک سرپرستی • گروه کاری

ماهیت کار:

کار به خودی خود نقش مهمی در تعیین سطح رضایت شغلی دارد. محتوای شغل دارای دو جنبه است، یکی محدوده شغل که شامل میزان مسئولیت، اقدامات کاری و بازخور است و هر چه این عوامل وسیعتر باشد باعث افزایش حیطه شغلی می شود که آن نیز به نوبه خود رضایت شغلی را فراهم می آورد. دومین جنبه عبارتست از تنوع کاری، تحقیقات نشان می دهد که تنوع کاری متوسط موثرتر است. تنوع وسیع باعث ابهام و استرس می شود و از طرف دیگر تنوع کم نیز باعث یکنواختی و خستگی شده که نهایتاً منجر به عدم رضایت شغلی می گردد.

عوامل فردی:

در حالی که محیط بیرونی سازمان و ماهیت شغل عوامل تعیین کننده در رضایت شغلی هستند، صفات و ویژگیهای فرد نیز نقش مهمی در آن دارد. افرادی که بطور کلی دارای نگرش منفی هستند، همیشه از هر چیزی که مربوط به شغل است شکایت دارند. مهم این نیست که شغل چگونه است، آنها همواره به دنبال بهانه ای می گردند تا به گله و شکایت بپردازند. سن، ارشدیت و سابقه، تاثیر قابل ملاحظه ای بر رضایت شغلی دارند. کارکنانی که دارای سن بالا و سابقه زیاد در سازمان هستند، انتظار دارند که رضایت بیشتری از شغل خود داشته باشند. رضایت شغلی باعث می شود بهره وری فرد افزایش یابد، فرد نسبت به سازمان متعهد شده ، سلامت فیزیکی و ذهنی فرد تضمین شود، روحیه فرد افزایش یابد، از زندگی راضی باشد و مهارتهای جدید شغلی را به سرعت آموزش ببیند. عدم رضایت شغلی باعث کاهش روحیه کارکنان می شود که روحیه پایین در کار بسیار نامطلوب است. مدیران وظیفه دارند که علائم روحیه پایین و عدم رضایت شغلی را بطور مستمر زیر نظر بگیرند و در اولین فرصت اقدامات لازم را انجام دهند

نتیجه:

ازآنچه ذکر شد، معلوم گردید که رضایت‌شغلی در مجموع، احساس مطبوع، مثبت و خوشایندی است که فرد از شغل خود دارد. بیش‌تر دانشمندان عوامل اجتماعی، محیط کار و نفس کار را در رضایت شغلی مؤثر می‌دانند.همه نظریه‌های رضایت شغلی به نحوی به تامین نیازهای افراد، مادی یا روانی، اهمیت می‌دهند و توجه به خواست‌ها و انتظارات شاغل را مهم می‌دانند. مدیر باید بداند که نیروی کار راضی به خاطر کاهش غیبت باعث افزایش بازدهی خواهد شد و شادابی و مسرت را از سازمان به خانه و جامعه منتقل می کند. البته نظرات مخالف نیز در این خصوص ارائه شده است که معتقد است رضایت شغلی آنچنان تاثیری در بهره وری ندارد.

روابط و مناسبت‌های همکاران، مهم‌ترین عامل در تعیین رضایت‌مندی شغلی است. طی مطالعه‌ای انجام‌شده، هنگامی که مستخدمان اجازه یافتند همکاران خود را انتخاب کنند، رضایت‌مندی شغلی آنان افزایش و هزینه کار کاهش یافت. از دیگر سو، به طور سنتی مدیریت به عنوان بعد مهم شغلی مطرح شده است. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که مدیریت کارمندمدار بیش از مدیریت کارمدار موجب رضایت شغلی می‌شود.

سرانه مصرفی برق بوشهر بالاتر از کشور است

مدیرعامل شرکت برق منطقه‌ای بوشهر و فارس گفت: سرانه مصرف برق استان بوشهر از میانگین کشوری و از میانگین استان فارس نیز بیشتر است. به گزارش «فارس»؛ محمدرضا مشفقیان در نشست بررسی مشکلات برق بوشهر با حضور استاندار اظهار داشت: در توسعه خطوط ۴۰۰ کیلوولت در سال ۸۵، ۵۴۲ کیلومتر و در سال گذشته ۸۶۱ کیلومتر عملکرد داشتیم که نشان از رشد ۵۹ درصدی دارد. مشفقیان افزود: سرانه مصرف برق استان بوشهر از میانگین کشوری و از میانگین استان فارس نیز بیشتر است. سال ۸۵ وضعیت مالی خوب بود و پروژه‌ها نیز به خوبی اجرا می‌شد اما در یکی دو سال گذشته وضعیت اعتباری مطلوبی نداشتیم هرچند در شش سال اخیر ۱۷ ایستگاه برق در بوشهر ایجاد شده که دو مورد آن ۴۰۰ کیلوولت بوده است. مدیرعامل شرکت توزیع نیروی برق استان بوشهر نیز گفت: در سال‌های اخیر با وجود مشکلات مالی اما تلاش شد تا کمتری خاموشی را در استان بوشهر داشته باشیم.

سیدرضا رضوی افزود: وضعیت خاموشی برق در استان بوشهر در دو سال اخیر قابل مقایسه با سال‌های قبل از آن نیست و دلیل این امر هم این است که با استفاده از روش‌های مختلف اقدام به تامین برق مورد نیاز کردیم.

۴۰۰ بوشهری در انتظار پیوند کلیه

رئیس انجمن حمایت از بیماران کلیوی استان بوشهر گفت:۴۰۰ بیمار در استان بوشهر آماده پیوند کلیه هستند.

اسماعیل عباسی در نشست هماهنگی برگزاری جشن پیوند کلیه در بوشهر اظهار داشت: طی سال‌های اخیر تلاش‌های بسیار زیادی در راستای خدمات‌رسانی مطلوب به بیماران کلیوی در استان بوشهر صورت گرفته است. رئیس انجمن حمایت از بیماران کلیوی استان بوشهر با اشاره به هزینه‌های بالای پیوند کلیه، خاطرنشان ساخت: ۴۰۰ بیمار در استان بوشهر آماده پیوند کلیه هستند که برای انجام این عمل‌ها به چهار میلیارد تومان اعتبار نیاز است.

سرهایی که برای همدردی با ماهان و فرزاد در جم بوشهر تراشیده شد

چگاسه؛ دانش آموزان و آموزگار پایه چهارم آموزشگاه شاهد شهید علمداری جم جهت همدردی با دانش آموز مریوانی موهای خود را تراشیدند.

آنها در پیامی که به همین مناسبت منتشر نموده اند، همدردی خود با دانش آموز سرطانی جمی نیز اعلام نموده اند.

تو مپندار که خاموشی من هست برهان فراموشی من

ماهان تنها نیست

ما دانش آموزان پایه چهارم آموزشگاه شاهد شهید علمداری شهرستان جم از استان بوشهر به همراه آموزگار خود جهت همدردی با ماهان رحیمی دانش آموز مریوانی موهای خود را تراشیده تا هم به نوعی احساسات درونی خود را نسبت به وی نشان داده باشیم و هم با اقدام خود تلنگری بر مسئولان استانمان زده باشیم چرا که مدتی است تعداد افراد مبتلا به سرطان در شهرستان ما خیلی زیاد شده و این ما را نگران کرده است از جمله دوست و همکلاسی ما فرزاد جعفری که یکی از این افراد می باشد، استدعا داریم از ایرانیان بخواهیم او را نیز از دعای خیر خود محروم ننمایند.



آقایان! فوتبال بوشهری را به کدام سمت می برید؟



عبدالمجید اصلانی

فرهنگ ملی و دینی ما ریشه دراخلاق واخلاق مداری و رعایت حقوق مردم دارد در فوتبال اصل بر رقابت سالم و لذت بردن همه از بازی زیبا، دلچسب وپیروزی غرور آفرین و بازی جوانمردانه و احترام به حریف ولو در صورت شکست دادن آن و مشایعت آن ها تا دروازه خروجی شهر می باشد. مفاهیمی چون تبانی، دوپینگ، شبیه سازی، رشوه، دلالی، بدرفتاری در میزبانی و برهم زدن قاعده بازی و انتخابات الان بد جور گریبان فوتبال مان گرفته و تا حدودی بوشهر نیز متاثر از آن گردیده است. اعمالی از این دست اثرات مخرب در ورزش فوتبال (چمنی، ساحلی، سالنی) به جای گذاشته و می گذارد که تاثیرات منفی و ضد اخلاقی آن از جمله مجمع انتخاباتی سفارشی و مخدوش ریاست هیات فوتبال بوشهر در مهر ۹۲ هیچ گاه از اذهان پاک نمی شود در حالی که موفقیت ها و ناکامی ها برای یک تیم و یا یک هیات با وجهه قابل قبول با گذشت زمان از یاد می رود.

برای فرهنگ سازی در فوتبال و اداره آن بایست به قوانین و فرهنگ عامه رجوع کرد و بر اساس اساسنامه نظارت و هدایت و حمایت و پشتیبانی نمود و نه دخالت! علیرغم این که در مساله اداره فوتبال بوشهر قاعده بازی در یک شرایط نابرابر بازی را به نفع دستگاه ورزش چرخانیدند نیز نمی تواند اثرات مخرب و منفی آن بر کل فوتبال بندر بی تاثیر باشد. فعلا که همه نواقص، کمبودها، ضعف ها، قدرت طلبی ها، خود شیفتگی ها، پهناور داشتن ها، غش کردن ها، تحقیر دیگران، نوچه پروری ها و ... در پشت سر صعود احتمالی جوانان برومند ایران جوان به لیگ برتر خوابانده شده است. حال آن که کادر فنی و بازیکنان و هواداران بینش گر و مخلص با همت عالی در صدد رقم زدن یک سند افتخار دیگر با صعود به لیگ برترند و با تمامی کمبودهای مالی وغیرمالی هفته های حساسی را سپری می نمایند ولی همان طور که اشاره داشتم معدود افرادی برای نام و نان و منافع شخصی به فوتبال بوشهر آویزانند و خودرا پشت این موضوع قایم کرده اند. ازآن جا که دروغ گویی و رفتار پوپولیستی می رود در فوتبال بوشهر امری پسندیده و عادی شود ما را یاد آن ساز ضرب المثلی معروف دزد بازارآهنگران قدیم بوشهر می اندازد که: " صدایش فردا در می آید"!

تعامل یا غش کردن های اتوبوسی

این روزها از متولی فوتبال بوشهر کامیون کامیون واژه تعامل شنیده می شود که مدرنیته آن به گفته دایی "غش کردن" و دندان گیرتر از آن سرپرستی را عشق است، به پیرامون فوتبال بندر نگاهی بیاندازید از دستگاه ورزش گرفته تا هیات فوتبال تا باشگاه قهرمان ساحلی تا مجمع کانون مربیان، تا امیدها و این سوال در اذهان متبادر می گردد که کی برای کی غش می کند؟ تو این اوضاع و احوال مردم و هواداران برای چی غش می کنند؟ جواب آن ساده است مردم برای یک فوتبال ناب پاک و نجیبانه وبدور از اغیار.

مجمع صنفی کانون مربیان

ما از فوتبال می گوییم و می نویسیم: احمد رزمی:" انتخابات کانون مربیان استان انجام گرفته اما نامی از مجید چاهی بخش، جلال غریب زاده، اکبرشمسا، احمد رزمی، حمید کللی، اصغر کامیاب، گودرز خرمزی و دیگر مربیان خاک خورده بوشهر نیست. نمی دانم شاید ما را حساب نکرده اند و یا توقع دارند بدون دعوت نامه به جلسه برویم".

فعلا به اختصار به انتخابات کانون مربیان بوشهرکه اخیرا برگزار گردید اشاراتی می نمایم و از آن استقبال و در نفس عملی پسندیده و در خور. پیرامون آن سخن ها گفته و نوشته شده و منتظر می مانیم تا به چه میزان استقلال کانون حفظ و به اهداف خود می رسند و سپس به مناسبتی دیگر به طور مفصل به ضعف ها و قوت های آن و احترام به حقوق مربیان وارتقا آنان می پردازم.

چند سوال : چرا در مجمع صنفی، بزرگان این صنف حضور نداشتند؟ چرا اداره جلسه برعهده کانونی ها نبود؟ با وجودی که یکی از مربیان لیگ برتری و جانباز و عضو کانون با تشکیلات باشگاه خود به مشکل خورده تاکنون کانون عکس العملی به خرج نداده است؟ در صورتی که در بند یک ماده ۳ وظایف واختیارات کانون استیفای حقوق و خواسته های مشروع و قانونی اعضاء است آیا در آینده جلسات و مصوبات آن عملی و پیگیری خواهد شد؟ چرا از یکی از اعضای قدیمی و با سابقه و عضو کانون مربیان ایران دعوت به عمل نیامد؟

کانون در لفظ ، محل گرد آمدن گروهی با هدف خاص معنا شده و اساسنامه کانون صنفی مربیان فوتبال ایران که در تاریخ ۲۶ بهمن ۹۱ مشتمل بر ۲۵ ماده و ۱۸ تبصره می باشد وبه تصویب مجمع عمومی رسیده است که یکی از آن ها هم نماینده کانون مربیان بوشهر بوده، مرجع قراردادیم و در هیچ ماده و تبصره ای ازاساسنامه به ریاست جلسه تا برگزاری آن و دخالت مستقیم فدراسیون و دبیر آن و یا هیات های شهرستان ها به میان نیامده که در بوشهر چنین گردید و باز هم می گویند تعامل!

از بند الف تا "ح" ماده ۲ اساسنامه به آشکار در مورد اهداف سخن به میان آمده هیأتی که می بایست درصدد برگزاری مجمع عمومی عادی خود باشد و تنها هیأتی در ایران است که فاقد هیأت رییسه ، دبیر ، بازرس ، نواب است می رود برای کانون مربیان برنامه می دهد و تب این خود شیفتگی بالاست که می گوید تمامی فوتبالی های جهان به دور هیات من گرد آیید. آقایان! فوتبال بوشهری را به کدام سمت می برید؟ امید که این چند خط تلنگری باشد برای سالم سازی فضای فوتبال بندر نشینان

پیشنهاد به بینش گران و علاقه مندان فوتبال بندر:
یا راهی خواهیم یافت یا راهی خواهیم ساخت.

ناگفته های پرویز قوسی از نبرد بوشهری ها در جنگ با متجاوزین عراقی (۶)

عقب نشاندن عراقی ها به پشت بهمنشیر

بعد از تصرف خرمشهر برنامه عمل اصلی تهاجم وحشیانه صدامیان محاصره و تصرف آبادان بود.

جهت تحقق این مهم جاده اهواز به آبادان را تصرف و به سمت جاده آبادان به ماهشهر پیشروی نموده و توانسته بودند به همه این اهداف پیش بینی شده در تاکتیک رزم خود برسند.

عراقی ها در ادامه تکمیل اهداف شوم خود به سمت کوی ذوالفقار با تمام تجهیزات به پیش تاخته بودند و اگر می توانستند به این هدف برسند و جاده اروندرود (خسروآباد) به آبادان را قطع کنند و به سمت اروندرود ادامه و خود را به آن طرف اروند (خاک خود) برسانند، کار قسمتی از خاک کشور عزیز ایران تمام و به هدف عالی خود رسیده بودند.

برای رسیدن به این هدف باید تمامی نیروهای مستقر در آبادان در محاصره قرار گرفته، قتل و عام شده و خرمشهر و آبادان به خاک عراق متصل شده تا صدام به یکی از اهداف دیرینه خود برسد.

قبل از این از پاسگاه خسروآباد در کنار جاده اروند به آبادان، جنگ علیه عراقی ها را آغاز کرده بودیم. ورود ما به صحنه نبرد عراقی ها را به جنب و جوش انداخت، آنها تا آن زمان ایجاد موضع و سنگر نکرده بودند و این برای ما که مصمم به پس زدن آنها بودیم، یک امتیاز بود.

آن روز احساس غریبی داشتم، به جنگیدن در کنار مجید مرادزاده عادت کرده بودم و دل گرمی عجیبی با حضور او بهم دست میداد. در مدرسه هم همه اش با هم بودیم وحتی در کوچه های بوشهر هم بازی بودیم. حالا نبودنش دل تنگی عجیبی را بسراغم آورده بود. راستش را بخواهید بعد از زخمی شدن مجید بدجور کلافه بودم و احساس طفلی داشتم که مادرش را گم کرده و هراسان از اتفاق پیش رو هست.

مجید مرادزاده بعد از اینکه زخمی شده بود، خود را از صحنه نبرد کوی فرهنگیان ایستگاه ۱۲ به هزار بدبختی به عقب کشیده بود و توسط نیروهای امدادگر به بیمارستان طالقانی آبادان جهت اقدامات اولیه برده شده و از آنجا به یکی از شهرهای دور انتقال داده شده بود. ابراهیم یگانه هم که رزم آور دلیری بود و بیشتر در کنارم در رزم تن به تن شهید شده بود، در سردخانه آبادان آرمیده بود تا برای دفن به بوشهر فرستاده شود. حس می کردم که روحش ناظر و شاهد تمام اعمال من هست.

من در نبرد تن به تن عادت کرده بودم که هم به سلاح ژ–۳ وهم به سلاح آر.پی.جی مسلح باشم. چون هر کدام کارائی و شایستگی عمل رزم مناسب را برای من بدلیل چابکی و آمادگی و ورزیده شدن، میسر می ساخت. به همین علت دوست داشتم در میدان نبرد بیشترین تاثیر را از خود به جا بگذارم.

سربازان عراقی که اراده ما را در سهولت حرکت به سمت خود به منظور یک رزم تن به تن تمام عیار احساس کردند، از جا بلند شده و خود را به عمده قوائی که در کوی ذوالفقاری آبادان برای هدف بزرگی که قبلا به آن اشاره رفت، ملحق ساختند.

تقریبا بدون درگیر جدی، ما به اول کوی ذوالفقاری رسیدیم. اما در آنجا درگیری جدی و پر حجم شروع شد، آقای دریاقلی هم که از طریق سپاه خود را به سلاح ام– ۱ تجهیز کرده بود، درکنار من آماده نبرد بود.

از پنجره یکی از منازل، تیربارعراقی که دید و تیر مناسبی بر ما داشت شروع به تیراندازی یک نواخت و مداوم نمود و رزمندگان ایرانی را زمین گیر کرد. بدبخت فلک زده نمی دانست که سیبل من خواهد شد و تا چند لحظه دیگه به هوا رفته و به درک خواهد رسید. خوراک من این گونه اهداف بود. تیرباری که عراقی ها در پنجره ساختمان مرتفع مشرف بر ما مستقر کرده بودند از نوع دوشکا و نیمه سنگین محسوب می شد که بسیار کوبنده و کارا بود، لذا میبایست به هر قیمتی شده از کار انداخت وگرنه بچه ها را درو میکرد.

اولین موشک را به قبضه آر.پی .جی جا زده و پنجره و تیربار را نشانه رفتم. چند لحظه قبل از شلیک یک وقت دیدم که آقای دریاقلی به دلیل عدم تجربه در پشت سرم من و محل پرتاب آتش عقبه موشک قرار دارد. اگر آن موقع شلیک انجام شده بود ایشان را زغال و در دم از بین می برد. رزمنده ها این را به خوبی می دانستند که همیشه باید از آر.پی .جی زن فاصله مناسب جانبی و طولی داشته باشند، اما این بنده خدا بی اطلاع بود و شاید تا آن موقع این سلاح مخوف را نمی شناخت. واقعا با سلاحش حال میکرد، یک روند به سمت عراقی ها تیراندازی میکرد. حضور وی در کنارم روحیه ای بود. به او موضوع را تفهیم کرده و از او خواستم که از من فاصله بگیرد.

خوب که به پنجره دقت کردم عراقی ها را دو نفر دیدم، یکی تیربارچی و دیگری راکمکی وی دیدم. حالا دیگه همه چیز آماده یک شلیک جانانه بود.

قبضه آر.پی.جی را روی دوش راستم گذاشتم و هدف را



نشانه رفتم. چون فاصله ام از محل تیربار بیش از صد متر بود و خطری من را تهدید نمیکرد، با دقت هرچه تمامتر بدون هیچ عجله ای طوری شلیک را انجام دادم که موشک روی سینه تیربارچی فرود آمد و سرباز عراقی، تیربار و نفر کمکی را چنان درهم کوبیده و به عقب پس زد که آتش حاصل از انفجار موشک من و انفجار مهمات خود تیربار، موجی از دود و آتش را روانه آسمان کرد و سقف خانه رامدفن آنان ساخت.

ذوق و خوشحالی آقای دریا قلی را که شاید تا آن موقع شلیک آر.پی.جی را ندیده بود، من را بیش از پیش مصصم ساخت. ایشان همچنان در کنار من و سایر رزمندگان دوش به دوش با تفنگ ام۱ خود می جنگید و با شناختی که از پیچ و خم کوچه و محله داشت ما را به جلو راهنمائی میکرد. درگیری در وسط محله با مقاومت عراقی ها داغ شده بود، یواش یواش نیروهای کمکی هم به ما ملحق شدند و همین باعث شده بود تا قدرت آتش و حرکت ما بیش از



آن روز احساس غریبی داشتم، به جنگیدن در کنار مجید مرادزاده عادت کرده بودم و دل گرمی عجیبی با حضور او بهم دست میداد. حالا نبودنش دل تنگی عجیبی را بسراغم آورده بود.
ابراهیم یگانه هم که رزم آور دلیری بود و بیشتر در کنارم در رزم تن به تن شهید شده بود، در سردخانه آبادان آرمیده بود تا برای دفن به بوشهر فرستاده شود.

پیش شود. به لحاظ قدرت هجوم کوبنده و سرعت حرکت رزمندگان این مرز و بوم، عراقی ها که تا آن موقع سرمست از تجاوز به این آب و خاک بودند، به ناچار کشته های خود را در کوچه ها و محله جا گذاشته و با سرعت به عقب میرفتند و جالب اینکه همه از نیروهای مخصوص کلاه قرمز بعثی قسم خورده صدام بودند که این چنین زبون و خار شده بودند.

رزمنده دریا قلی خانه ای ساخته شده از پلیت و پاره های بشکه ۲۲۰ لیتری را به ما نشان داد و گفت که این خانه من هست و کارم تعمیر موتورسیکلت است. از وضع ظاهری ایشان هم پیدا بود که کارگری بس زحمت کش و نان حلال خور است. رشادت، شهامت و هجوم یک پارچه، گسترده و بی امان دلیر مردان این مرز و بوم چنان تلفاتی را به عراقی ها تحمیل نموده بود که کاملا سردرگم و حتی سازمان دفاع فردی خود را نیز از دست داده و در تمامی محله متواری و سردرگم بودند. به همین دلیل ما کوی ذوالفقاری را از عراقی ها پاکسازی و با اقتدار جنگ را به نخل های پشت محله فوق مابین کوی ذوالفقاری و شط (رودخانه بهمنشیر) کشانده بودیم.

این تجربه را ما از جنگ خرمشهر داشتیم که تک تیراندازهای عراقی از فاصله دور با مستقر شدن در یک بلندی با اسلحه قناسه، مغز بچه ها را هدف قرار میدادند. لذا می بایست با تدبیر و هوشیاری کامل خانه به خانه جستجو میکردیم و منطقه را از وجود این وحشیان غارتگر آب و خاک و ناموس پاک می نمودیم. در طول مدت حضور در جبهه، من و همه رزمندگان این تجربه را کسب کرده بودیم که هر وقت عراقی ها در صحنه نبرد کم میاورند، با التماس و خواهش رو به اسارت آورده و دخیل دخیل شان گوش فلک را کر

می کند، ولی تا قبل از آن از هیچ جنایت انسانی و بشری فرو گذاری نمی کردند. مانند سوسنگرد و قتل و عام مردم بی دفاع وتجاوز به ناموس مردم جلو چشم هم و یا هجوم وحشیانه آنان به بستان و خرمشهر و تمامی روستاهای بین راه و حالا هم آبادان و کوی ذوالفقاری.

گروه ما که شامل (شهید) عباس کامکاری، بهادر، حسن آبادی، حمداله قائم مقامی، خشنود، چاه روستائی، خداداد دهقان، علی خالقی، جهانگیری، معصومی، مصطفی بندور، (شهید) یوسف ناصری و تعداد دیگر از رزمندگان می شد، تصمیم به پاک سازی خانه به خانه محله ذوالفقاری گرفت.

تا قبل از شروع عملیات پاک سازی هیچکس متوجه نشده بود که با تصرف کوی ذوالفقاری توسط عراقی ها در همین مدت کم (یکشب تا صبح) این پست فطرتان مرتکب چه جنایتی هائی شده اند.

عصر مجددا درگیری و زد و خورد به اوج خود رسید و به این علت که نیروی کمکی عراقی ها از آن طرف شط (بهمنشیر) رسیده بود و تمام تلاششان این بود که به هر قیمتی شده کوی ذوالفقاری که سر پل عملیات بعدی آنان تا اروند رود بود، را از دست نداده و بدین وسیله آبادان را به خاک خود ملحق نمایند.

به دلیل فشار زیاد عراقی ها در نخل های پشت کوی ذوالفقاری، ما ناچار شدیم به دو گروه تقسیم شویم. گروه اول که من در آن بودم به سمت عراقی ها و گروه دوم در عملیات پاکسازی شرکت کردند.

نخل به نخل و متر به متر آنان را پس میزدیم و جلو می رفتم. ما می بایست تا قبل از شب و تاریکی هوا، خود را به پلی میرساندیم که واحد مهندسی عراقی برای گذر از بهمنشیر بر روی رودخانه ایجاد کرده بود.

با انجام این عمل (تصرف پل) کار عراقی ها در آن منطقه تمام بود و نخلستان را گورستان عراقی ها میکردیم. آنان این مهم را خوب متوجه شده بودند و به همین دلیل تمام توان خود را بر این گذاشته بودند که نگذارند ما به محل ورودی پل دید و تیر پیدا کرده و یا آنرا تصرف کنیم.

در همین گیر و دار هلی کوپتر آبی رنگ با ارتفاع بسیار کم جوری که خلبان دیده می شد بر بالای کوی ذوالفقاری نمایان شد. هلی کوپتر عراقی بود و نمی دانست دقیقا کجا را باید با کالبیر هدف قرار داده و به توپ ببندد. خلبانش هراسان بر بالای سر نیروهای ما چرخ میزد. همه بچه ها با اسلحه سبک ژ–۳ و کلاش به سمتش تیراندازی میکردند. اما طراحی کف و زیر آن جوری بود که اصابت گلوله ها آسیبی به آن نمی زد و به همین دلیل سقوط نمیکرد. بدون اغراق در یک لحظه صدها تیر بسویش روانه میشد اما همچنان سالم چرخ میزد و ناگهان تیراندازی را با کالیبر سنگینش آغاز نمود. هر تیر او که به نخلی اصابت میکرد نخل به آن تنومندی را متلاشی می ساخت و اگر همچنان ادامه میداد تلفات سنگینی از ما می گرفت و شاید تسلط میدان نبرد را از دست ما خارج می ساخت.

(شهید) عباس کامکاری (فرمانده گروه) من را با صدای بلند خطاب قرارداد و گفت: «پرویز با آر.پی.جی بزنش زود باش با آر.پی. جی بزن تا همه بچه ها را شهید نکرده، معطل نکن یاعلی بگو زود باش. یاعلی خلاصش کن».

من هم بلادرنگ موشک را در قبضه جا زده و هلی کوپتر را نشانه گرفتم. فاصله سنگری که من در آن موضع گرفته بودم با اولین سنگرعراقی ها که شدیدا فعال و مقاومت میکرد بیشتر از ۲۰ متر فاصله نداشت و من خوب می دانستم که بعد از شلیک موشک، باید فوری و بلادرنگ جابجا شوم وگرنه حتما از سوی همین سنگر مورد اصابت قرار خواهم گرفت. دستم روی ماشه قبضه بود و کابین خلبان را نشانه رفته بودم که هم زمان از دو جهت متفاوت بسوی هلی کوپتر موشک آر.پی .جی .شلیک شد. اولی با فاصله کمی از زیر شکم هلی کوپتر رد شد و دومی خوشبختانه به پروانه عقب او برخورد کرد.هلی کوپتر گیج و نامتعادل دور خودش شروع کرد به چرخیدن. من که تمام حواسم معطوف به او بود و دوست داشتم آن را مورد هدف قراردهم کار را برای او تمام شده دیده و لحظه ای درنگ نمودم که ببینم کجا سقوط خواهد کرد. از طرفی هم حیفم آمد که ثوابی از این حماسه نصیبم نشود، لذا مجددا کابین خلبان را نشانه رفته و موشکم را مثل همیشه با دقت شلیک کردم. موشک وارد کابین شد و چنان انفجار مهیبی رخ داد که من فکر کردم الان روی خودم فرود میاید.

هلی کوپترکه چه عرض کنم، نصف هلی کوپتر با میل به چپ به وسط رودخانه بهمنشیر سقوط نمود و چنان صدای مهیبی کرد که روحیه عراقی های ناظر بر این سقوط را به صفر و ما را بیش از پیش مصمم ساخت.

ادامه دارد...

شب به یادماندنی شاهینی‌ها با «محمد خال»؛ هوادار فراموش نشدنی



فاضل قنبرپور : بازیکنان با معرفت دهه ۶۰ باشگاه شاهین بوشهر یک شب به یادماندنی را در خانه هوادار قدیمی این باشگاه رقم زدند

قصه این بار حکایت مردی است که فوتبال بوشهرو به نوعی باشگاه شاهین با نام او عجین شده است.

محمد خال، هوادار ۶۳ ساله‌ای که این روزها با بیماری قند خون دست و پنجه نرم می‌کند ، محمدرضا صالحی‌زاده هوادار متعصب باشگاه شاهین پنج‌شنبه شب ستاره‌های بزرگ و نامدار باشگاه خودش (شاهین) را در منزل و در کنار خود دید.

ستاره به معنای واقعی را می‌خواهید اینها بودند که به محض شنیدن خبر کسالت مشوق خود روی سکوهای شاهین، دور هم جمع شدند و با گل و شیرینی به عیادت محمد آقا رفتند.

از بزرگانی بگوییم که در این شب به عیادت محمد خال رفتند، ابراهیم رفعت بوشهری؛ مهاجمی که خیلی‌ها او را یکی از بهترین مهاجمان تاریخ فوتبال بوشهر می‌دانند، عبدالرحیم عیساوندی مدافع آخر و پوششی شاهین که در زمان خودش یکی از متعصب‌ترین‌ها بود.

برادران کاویان مسعود و منصور، دو برادر با اخلاق و با حجب و حیا، یکی دروازبان و دیگری مدافع راست، یوسف غریب‌زاده: مهاجم سال‌های نه چندان دور شاهین و ایرانجوان، که هوش او در گلزنی زبانزد بود و سهراب بختیاری‌زاده هافبک طراح تیم‌های شاهین، ایرانجوان و پاس که در اواخر فوتبالش هم یک مدافع آخر با کلاس بود.

شش شاگرد واقعی مکتب شاهین به اتفاق رضا سیاوشی، مهدی صالحی‌زاده، خیری ابراهیم‌زاده (خواهر محمود ابراهیم‌زاده ملی پوش سابق تیم ملی) ، مجید اصلانی، اکبر بختیاری‌زاده و احسان دریانورد یک شب نشینی ساده اما مملو از صفا و صمیمیت را خلق کرد.

محمد خال با دیدن این ستاره‌های دیروز و مو سپیدهای امروز روحیه گرفت، باور کنید انگار این پیرمرد ۶۳ محله صلح‌آباد از این رو به آن رو شده.

همین که در هیاهوی این فوتبال سراسر حاشیه، ستاره‌های دیروز فوتبال این شهر به دیدنش رفته بودند دست کمی از خوب شدن بیماری او نداشت.

گویی زخم‌هایش فروکش کرده شروع به تعریف کردن از عشق اول و آخر خود شاهین کرد، شور عشقی در او ایجاد شد که با حرارت و شور خاصی بیش از ۵ دهه گذشته شاهین و خاطرات آن روزها حرف می‌زد.

مهمانانش با متانت به حرف‌های شنیدنی محمد آقا گوش می‌دادند، مردانی که هر کدام روزگاری سکوهای پیر استادیوم بوشهر به عشق دیدن آنها لبریز از تماشاگر بود، یزله و هلهله به عشق ابراهیم رفعت، رحیم عیساوندی، مسعود کاویان، منصور کاویان، سهراب بختیاری‌زاده، یوسف غریب‌زاده و ...

عجب روزگاری است، گرد پیری، موهای سپید و دغدغه‌های روزگار شاید میان آدمهای زمانه ما فاصله ایجاد کرده باشد اما این با معرفت‌ها با حضورشان در خانه این شاهینی اصیل یک شب به یاد ماندنی را در منزل هوادار قدیمی این باشگاه رقم زدند.

محمد خال یک بار دیگر در دهه هفتم زندگی خود زنده شد و به عبارتی تولدی دوباره یافت، هر کدام از این بزرگان فوتبال بوشهر درد دل، گلایه و حرف‌های گفتنی فراوانی داشتند.

یکصد و بیست دقیقه معادل یک ماراتن فوتبال کنار هم بودند، خاطره تعریف شد، خندیدند یاد خیلی از رفتگان را با ذکر خدا بیامرزی زنده کردند و در لحظاتی با به زبان آوردن کلمه (شاهین) بعضی‌ها بغض را در گلو نگه داشتند.

بله یک شب به یادماندنی در خانه هوادار قدیمی باشگاه شاهین محمدرضاصالحی‌زاده (محمد خال) رقم خورد، نگارش این روایت به یادماندنی برایم ماندگار خواهد بود، فوتبال در خون و پوست مردمان این دیاراست، کاش و فقط ای کاش اندکی ما بوشهری ها با خودمان مهربان تر باشیم والبته دوستان مسئولان به عشق این مردم که همان فوتبال است احترام ویژه‌ای بگذارند.

منبع: فارس

هفته ملی سلامت مردان ایرانی

سوانح و حوادث در کمین سلامت مردان

طناز صفوی
کارشناس آموزش سلامت مرکز بهداشت استان بوشهر
دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

حوادث نقلیه در جاده‌ها موجب هزاران مورد مرگ و آسیب دیدگی در سال می شود. تقریباً همه حوادث ناشی از اشتباهات افراد است تا نقایص وسایل نقلیه. از علل عمده اشتباهات در رانندگان، بی‌تجربگی، مصرف دارو و خستگی می باشند. این عوامل قادرند واکنش راننده را به تأخیر اندازند و قضاوت او را مختل کنند. رانندگان نباید به هیچ وجه خسته باشند و نیز باید مطمئن باشند که هیچ یک از داروهایی که مصرف می کنند موجب احساس خواب آلودگی نمی‌شود. همه افرادی که در ماشین می‌نشینند باید کمربند ایمنی ببندند. خردسالان باید صندلی های مخصوصی داشته باشند که مناسب اندازه و وزن آنها باشد. موتورسواران و دوچرخه سواران باید کلاه ایمنی و لباس هایی داشته باشند که آنها را در برابر شرایط نامناسب جوی و آسیب دیدگی محافظت نماید و باید از سالم بودن چراغ‌هایشان اطمینان حاصل نمایند. باید لباس های براق یا منعکس کننده نور بپوشند تا دیگران آنها را در جاده خوب ببینند. عابران پیاده باید از پیاده رو بگذرند و هنگام عبور از خیابان، از روی خط‌کشی‌های مخصوص عابران پیاده رد شوند. اگر هیچ گذری وجود نداشت باید در همان جهتی راه بروید که وسایل نقلیه در حرکت می‌باشند.

برای جلوگیری از تصادفات و کاهش خطرات و مشکلات ناشی از آن رعایت نکات زیر ضروری است:

بررسی وسیله نقلیه

• از سالم بودن قسمتهای مختلف وسیله نقلیه خود مطمئن شوید. دقت بسیار در مورد چراغ ها، ترمزها، فرمان لاستیک ها و زاپاس، سیستم اگزوز، کمربندهای ایمنی، برف پاک کن و شیشه شور داشته باشید. شیشه های جلو، عقب و بغل، چراغ ها و آینه ها و همچنین پلاک های خودرو تمیز باشند.

توصیه به رانندگان

• در مواقعی که احساس خستگی می کنید و یا بیمار هستید رانندگی نکنید.
• رانندگی می تواند باعث خواب آلودگی شود.
• برای جلوگیری از خواب آلودگی مطمئن شوید که هوای آزاد به اندازه کافی وارد اتومبیل می شود. در زمان رانندگی اگر احساس خستگی کردید مکان مناسبی را جهت توقف و استراحت پیدا کنید.
• وقتی پزشک برای شما دارویی تجویز می کند از او سؤال کنید در زمان استفاده از دارو اجازه رانندگی دارید یا خیر؟

برای پیشگیری از وقوع حوادث باید تا آنجا که ممکن است علل وقوعشان و هم چنین وقایعی که منجر به آن می شود را به خوبی شناسایی نمود.

مثلاً زمین خوردن در خانه زیاد اتفاق می افتد. پاشنه های بلند و نامناسب کفش، روشنایی کم، راههای عبور لغزنده پله ها و نرده ها ی شکسته، یا وسایل و اجسامی که در راه عبور افراد قرار داده شده اند همگی احتمال سر خوردن و زمین خوردن را افزایش می دهند.

برای ایمن ماندن در خانه چه باید کرد:

❋ هنگام مصرف مواد پاک کننده خانگی از دستکش استفاده کنید. برچسب روی آنها را به دقت بخوانید و آنها را فقط در اتاق هایی مصرف کنید که دارای تهویه خوب یا منافذ کافی برای ورود و خروج هوا هستند. مواد مختلف پاک کننده را هیچ وقت با هم مخلوط نکنید. اینکار می تواند باعث ایجاد فعل و انفعالات شیمیایی خطرناک گردد.

❋ برای اجتناب از تولید خطرات حریق، اجاق های گازسوز و آبگرمکن ها و چراغ های خوراک پزی نفتی را در وضعیت کار خوب نگهداری کنید. از بخاریهای نفتی فقط در زمانی که افراد در منزل بوده و بیدار هستند استفاده کنید. چنانچه این بخاریها بد کار کنند می توانند باعث خفگی افراد خوابیده گردند.

❋ برای راه پله ها روشنایی خوب و کافی تامین کنید. حمل و مسیرهای رفت وآمد در منزل را عادی از ریخت و پاش وسایل و اسباب خانه و مبل و صندلی و سیم و نخ نگه دارید. مطمئن شوید که فرش ها در جای خود ثابت شده باشند. فرش پله ها و راهروها خوب و محکم ثابت شده باشند . زیر پایی سالم و از نوعی که پا در روی آن لیز نخورد در حمام گذاشته شده باشد. فقط بسته هایی را حمل کنید که بتوانید از بالای آن جلوی پای خود را ببینید.

❋ مایعات ریخته شده به زمین را بلافاصله پاک و تمیز کنید یا اینکه روی آن را با حوله کاغذی یا یک زنبیل علامت گذاری کنید تا به محض پیدا کردن فرصت آنجا را تمیز نمایید. اگر مجبورید در سطوح لغزنده و خیس راه بروید قدم های کوتاه بردارید و آهسته حرکت کنید به نحوی که همواره تعادل خود را حفظ نمایید.

❋ برای اجتناب از برق گرفتگی، در مورد هر چیزی که با برق و آب در ارتباط است دقت کنید. از استفاده از ابزارهای برقی در زیر باران اجتناب نمایید. مواظب گرم کننده های برقی و سایر لوازم برقی خانگی نظیر رادیو، سشوار در حمام باشید. از ابزار با دسته عایق استفاده کنید.

❋ بنزین، رنگ، کهنه های روغنی، روزنامه، پلاستیک، چسب را از گرم کننده برقی و سایر منابع حرارتی دور نگه دارید. مواد قابل اشتعال را در ظروف فلزی نگه داری کنید. چربی و گریس روی چراغ های خوراک پزی را تمیز کنید.

❋ شماره تلفن خدمات اورژانسی، آتش نشانی و مرکز کنترل مواد سمی را در کنار هر دستگاه تلفن موجود در خانه نوشته و نصب کنید.

❋ جعبه کمک های اولیه در خانه داشته باشید که شامل حداقل مواد زیر باشد:

❋ باناداژ، گاز استریل، نوار چسب، قیچی، پنبه، پماد آنتی بیوتیک، سنجاق قفلی، محلول بتادین، درجه یا تر مومتر.

www.
nasimjonoub
.com
پایگاه خبری تحلیلی نسیم جنوب
خبرها و مطالب مهم
را روزانه ببینید و بخوانید

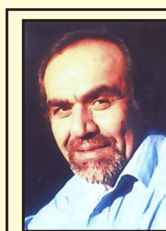
هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی
نسیم جنوب
nasimjonoub.com

صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
مدیر مسئول و سردبیر: یونس قیصی زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس،
کوچه بوستان ۳۰ (جانباز)، دفتر نسیم جنوب
تلفن: ۲۵۲۵۹۰۰ فاکس و پیامگیر: ۲۵۲۸۱۵۱
تلفن همراه: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
ایمیل: info@nasimjonoub.com
صندوق پستی ۱۱۹۹
لیتوگرافی و چاپ: کارگر



بالابان، ضیافت سینمایی هنرمندان بوشهری برای دوستداران طبیعت

نگاهی به شرایط اکران اولین ساخته سینمایی سیدرضا صافی


اسماعیل بهبهانی

این روزها فیلم «بالابان» نخستین فیلم سینمایی سیدرضا صافی فیلمساز بوشهری در سینمای بوشهر در حال اکران است. علاقمندان به فیلم و سینما در بوشهر سیدرضا صافی را با فیلم ها و سریال های کوتاه و بلند تلویزیونی می شناسند. تله فیلم «آخرین سکانس»، فیلم تلویزیونی «تخم مرغ جنگی» و سریالی که با عنوان «عزو و مزو» در یادها مانده است از آن جمله هستند.

«بالابان» که بیش از دو سال از زمان ساخته شدنش گذشته است، از مدت ها قبل در نوبت اکران عمومی بود. اما ناگهان از جدول پخش یکی از شبکه های تلویزیونی «شبکه شما» سر در آورد تا نمایش آن آب سردی باشد بر سر کارگردان و دیگر عوامل که در سخت ترین شرایط این فیلم را به سرانجام رسانده بودند. این در حالی است که «بالابان» ضیافتی سینمایی برای مخاطبین دوستدار طبیعت و محیط زیست است و در عین حال واجد عناصر و مولفه های جذابی است که قابلیت همراه کردن علاقمندان و تماشاگران عامه سینما



را هم دارد و همین خصوصیت است که به تماشاگر این انگیزه را می دهد تا پس از خروج از سینما وسوسه دوباره دیدن آن را با خود داشته باشد.

«بالابان» ساختار روایی و بصری مناسبی دارد و نوع قاب بندی و زاویه دوربین از امتیازات این فیلم است. سیدرضا صافی در «بالابان» نسبت به دیگر آثار خود گام بلندی رو به جلو برداشته است و اثر منسجمی را به بیننده ارایه می کند. این فیلم به عنوان اولین تجربه سینمایی او فراتر از یک فیلم اول است.

هر چند نقش آفرینی استاد ایرج صغیری و دیگر بازیگران بومی از جمله حیدر مظفری و مریم رنجبر و دیگران بسیار ارزشمند است، اما در سینمای امروز ایران استفاده از ستاره ها و یا بازیگران مطرح از دلایل مهم برای جذب تماشاگر است که «بالابان» احتمالا به دلیل محدودیت های مالی و مشکلات محیطی مانند شرایط سخت و طاقت فرسای لوکیشن ها، از آن بی بهره است. بی تردید حضور حداقل یک ستاره مطرح سینما می توانست به پخش کنندگان حرفه ای انگیزه ای دو چندان برای اکران سراسری این فیلم ببخشد. بی تردید «بالابان» با توجه به فضا و سوژه جدید و ظرفیت دراماتیک بالایی که ارایه می نماید و در صورت اکران عمومی با همین بازیگران هم قابلیت جذب مخاطب را خواهد داشت. بدیهی است کسانی که با سهل انگاری و رفتار غیرمسئولانه خود مسبب این ماجرا (پخش از شبکه تلویزیونی قبل از اکران) بوده اند وظیفه دارند اکران عمومی فیلم را پیگیری کرده و به سرانجام برسانند و برای جبران مافات امکان ساخت فیلم بعدی سیدرضا صافی را هم فراهم نمایند.

استقبال تماشاگران بوشهری از فیلم هم می تواند مسئولین را برای اکران عمومی آن ترغیب نماید.



بزرگواری که نشان از جدّش رسول خدا (ص) داشت

در سوگ حجه الاسلام سید محسن پورفاطمی

حجت الاسلام و المسلمین محمد فولادی

روز دوشنبه فرزندم از بوشهر خبر کسالت و بستری شدن «آقا محسن» را دادند با نگرانی و دعا به درگاه خداوند پی‌گیر بودم که گفتند از بیمارستان مرخص شدند و به «کاکی» برگشتند. خدای را شکر کردم که سلامتی آقا محسن یعنی شادی همه‌ی آنهایی که او را می‌شناسند.

او از سلاله‌ی پیامبر (ص) بود. و واقعاً چنین بود، رنگ و بوی جدشان رسول خدا (ص) می‌دادند رسول خدایی که قرآن توصیف کرده و تاریخ و سیره‌ی آن حضرت گزارش می‌دهد. کمتر می‌توان آن را در کسی یافت و به طور نسبی نموداری از آن حضرت (ص) را مشاهده کرد. پیامبر (ص) برای عموم مردم بیشتر در اخلاق و رفتارش و خصوصیات شخصیتی‌اش می‌شود نشان داد. که قرآن آن را به «خُلُق عظیم» و «رحمه للعالمین» معرفی کرده است. چتر حمایتی و نجات و هدایت را بر سر همه گشوده بود و مردم را به هیچ نوع تقسیم نمی‌کرد لذا «امین» همه بود و همه یعنی زن و مرد – کوچک و بزرگ – فقیر و غنی و حتی مؤمن و کافر و صالح و طالح در کنار او احساس «امنیت» و آرامش می‌کردند. و مخالفانش یعنی کافران نیز حاضر بودند که «حکمیت» را در اختلاف و دعوا به او بسپارند چرا که یقین داشتند که او هرگز «دروغ» نمی‌گوید و قضاوت به «باطل» نمی‌کند و از جاده‌ی «انصاف» خارج نمی‌شود. و «عدالت» را درباره‌ی دشمن نیز از یاد نمی‌برد. پیامبر (ص) اهل «اصلاح ذات البین» بود و از قهر و جدایی دو انسان از هم بدش می‌آمد و موجب عدم قبولی عبادات می‌دانست.

پیامبر (ص) جواب «بدی» را با «بدی» نمی‌داد و برای مخالفان «هدایت» و «مغفرت» می‌خواست و همین «نرمخویی» او بود که بیشتر مردم به او رو می‌آوردند چرا که از تقصیراتشان «درمی‌گذشت» و برای آنها «آمرزش» می‌خواست. و به حسابشان می‌آورد و به «مشورت»





می‌گرفتشان. و بر هدایتشان «حریص» بود. رسول‌خدا (ص) همه‌ی مردم را به یک نگاه می‌نگریست و بین «سیاه و سفید» فرقی نمی‌گذاشت. لذا همه او را دوست می‌داشتند و پیامبر (ص) را «محرمترین» و نزدیکترین فرد به خود می‌دانستند لذا خصوصی‌ترین مسایل خانوادگی خود را با او در میان می‌گذاشتند.

پیامبر (ص) در «تشییع جنازه» مردگان شرکت می‌کرد و به مصیبت دیدگان تسلیت می‌گفت و در «شادی و غم» آن‌ها خود را سهیم می‌دانست. و برای پیامبر (ص) البته فرق نمی‌کرد که میت «مسلمان» باشد یا «نصرانی» و یا «یهودی» که خود در جواب سؤال کنندگان که این جنازه متعلق به یک «یهودی» است. فرمود: مگر انسان نیست!! پیامبر (ص) به کسی «هتک حرمت» نمی‌کرد و همه از دست و زبان او در «امان» بودند و این را شرط «مسلمانی» می‌دانست و به قول امروزی‌ها برای کسی «نمی‌زد». لذا بدترین فرد را کسی می‌دانست که به خاطر در امان بودن از شرش مورد احترام قرار گیرد. آری پیامبر اسلام آنطور که قرآن و روایات شیعه و سنی او را معرفی می‌کنند. چنین بود که دلی پر از مهر و زبانی با محبت و رفتاری مؤدبانه و متواضعانه و زندگی‌ای «ساده» و مردمی و همرنگ و همشکل دیگران و «بی‌تکلف» داشت.

مرحوم حجت الاسلام سید محسن پورفاطمی نمودی از آنچه گفتیم بود. و آنگونه که من این خانواده را شناخته‌ام و نظیرش را کم دیده‌ام حقیقتاً او حجت اسلام اخلاقی و رفتار محمدی در زمانه‌ی «دروغ، تملق، تکبّر، قدرت‌طلبی و ثروت اندوزی، حق‌کشی و امتیازخواهی» بود. با دیدن آقا محسن، سادگی، صفا، محبت، بزرگی، مردمی، ایمان دینی، خلوص، مردم‌دوستی، ساده‌زیستی، می‌دیدی که دنیا و زندگی را فرصت برای خدمت به مردم عامه می‌دانست به آنهایی که دستشان از همه جا کوتاه است که با نگاه کردن و حرف زدن با آقا محسن و حضور در منزل و محضر معنوی ایشان آرام گیرند و از دردها و رنج‌های زندگی شفا یابند. آری بیت حاج آقا حسین برای نسل پدران ما یادآور انفاس قدسی مرحوم حضرت حجت الاسلام و المسلمین حاج آقا حسین پورفاطمی است و برای نسل ما نمود زنده‌ی کسانی است که در کلمات و کتابهای اخلاقی دین اسلام خوانده و شنیده‌ایم لذا برای مردم استان، این خانواده دوست‌داشتنی و قابل تقدیس و احترام بسیار است. خدای این بیت را پایدار بدارد و مرحوم آقا محسن را با اجداد طاهرینش محشور نماید و بازماندگان را صبر و اجر مؤمنانه عطا فرماید.

خاتمی درگذشت حجت الاسلام پورفاطمی را تسلیت گفت

بسم الله الرحمن الرحیم

حجت الاسلام سید محسن پورفاطمی بنده خوب خدا و انسان با فضیلتی از خطه دشتی استان بوشهر به جوار رحمت حق سفر کرد تا انشالله پاداش پاکی و نیکی خود را از خوان نعمت حضرت پروردگار دریافت دارد.

روحانی مردم دار و دلسوزی که همواره بر مسیر انصاف در رفتار و مودت میان مردم گام برداشت، اینک از میان ما و دوستدارانش رخت بسته است.

من مصیبت از دست دادن این روحانی عزیز را به حجت الاسلام و المسلمین سیدمحمد پورفاطمی نماینده محترم مردم دشتی و تنگستان، خاندان داغدار ایشان و اهالی نجیب استان بوشهر و دوستداران آن عزیز تسلیت عرض می کنم و از خداوند منان برای آن فقید سعید علو درجات و برای بازماندگان محترم صبر و اجر و سلامتی مسالت می کنم.

سید محمد خاتمی

صدای دوباره استاد تکرارناپذیر در شروه

مهدی شیخیانی



نام های آشنایی مثل یاسین ابراهیمی و سناسیری و محمد صغیری و علی ستوده و تنگستانی کافی بود که مرا در ساعت ۸ شب مجاب کند که به شهر بادوله بروم که شروه بشنوم. هماطور که انتظار می رفت شروه در شهر کوچک بادوله جمعیت بسیاری را در اطراف حسینیه ی شهدا گرد آورده بود. ماشین های زیادی اطراف محوطه باز حسینیه پارک شده بود و جمعیت بسیاری بیرون از حسینیه بودند. خودم را به جمعیت زدم و وارد شدم. سمت راست چشمم به غلامعلی زارعی افتاد پیش رفتم. در همان ردیف چهره های آشنای دیگری را دیدم و در گوشه ی آخر تکیه داده به منبر، چهره ای مرا میخکوب کرد و علت واقعی حضور آن جمعیت را دانستم. پولاد اسماعیلی. استاد پولاد اسماعیلی. بله اینجاست که می شود به راحتی هر چه تمام تر از واژه ی استاد با همه ی تعریف هایش استفاده کرد و او را استادی تکرارناپذیر در شروه نام برد. بزرگی که هرگز صدای ماندگارش از اذهان پاک نمی شود. در طول مراسم همه و همه لحظه شماری می کردند که شاید پولاد روی صحنه آمده و حرفی بزند. تمام شروه خوانان به هنرنمایی خود پرداختند تا آخرین لحظه که آقای صغیری پولاد اسماعیلی را دعوت کرد و خواست اگر صلاح می داند حرفی بزند.

کوتاه آن که: پولاد شروع به خواندن کرد... حس عجیبی مرا گرفته بود جمعیت تماماً به طرف جلو هجوم برده و هر کس با هر نوع تلفن و دوربینی که داشت دوست نداشت این صحنه را از دست دهد و شروع به فیلمبرداری کردند. با غلامعلی زارعی کسی که بانی این کار بزرگ و ارزشمند بود در انتهای حسینیه و تکیه به دیوار و پشت سر همه ایستاده بودیم و این صحنه را تماشا می کردیم بی اختیار اشک و شادی و... باور نکردنی بود... پولاد داشت می خواند... بعد از سالها پولاد داشت می خواند...

سپاس پولاد اسماعیلی، سپاس غلامعلی زارعی.

آمارهای نگران کننده از معضلات اجتماعی در استان بوشهر

به گزارش "پایگاه اطلاع رسانی بُنا"؛ مقامات اداره کل بهزیستی استان بوشهر با حضور در نشست علنی شورای شهر بوشهر ضمن تأکید افزایش زنان خیابانی و طلاق در استان، اما از ارائه آمار در این خصوص خودداری کردند.

معاون امور اجتماعی اداره کل بهزیستی استان در حالی که با انتقاد عبداله زاده عضو شورای شهر مبنی بر اقدام نکردن بهزیستی برای جمع آوری کودکان سر چهارراههای شهر مواجه شد، گفت: تعداد زیادی از اینها اتباع بیگانه هستند که جمع آوری شان برعهده اداره کل اتباع است.اخیراً نیز تعدادی کودک از استانهای دیگر سر چهارراهها حضور می یابند که نیروی انتظامی می بایست برای جمع آوری آنها همکاری کند.علی اکبر شمسا، عضو دیگر شورا در واکنش به این اظهارنظر معاون امور اجتماعی اداره کل بهزیستی استان گفت: برخی از متکدیان که تبعه افغانی و بنگلادشی هستند از بس از نظر بهداشتی مشکل دارند آدم جرأت نمی کند که کنارشان راه برود، لذا باید هرچه سریعتر به این وضعیت رسیدگی شود. پوربهی، اظهار داشت: براساس آمارهای موجود زنان خیابانی در بوشهر به نسبت سال گذشته افزایش یافته است، اما از ارائه آمار در این خصوص معذوریم. مقام مسئول دیگری از اداره کل بهزیستی استان نیز در حاشیه این جلسه خطاب به خبرنگاران تصریح کرد: آسیب شناسی های استان نشان می دهد که اعتیاد، طلاق و روابط غیرشرعی در این استان رو به افزایش است.

وقف مجتمع ورزشی توسط «حسین ماهینی» در شهر زلزله زده شنبه



سرپرست اداره اوقاف و امور خیریه دشتی و تنگستان گفت: در سال جاری ۲۴ وقف در دشتی و تنگستان داشته‌ایم که هشت مسجد،۹ حسینیه، دو موقوفه منفعتی، دو مجتمع قرآنی، یک مجتمع فرهنگی ورزشی و یک مهدکودک شامل این موقوفات می‌شود و تا پایان سال تعداد موقوفات به ۳۰ موقوفه می‌رسد. به گزارش فارس، حسین اسماعیلی افزود: شش مورد از این موقوفات در منطقه زلزله‌زده دشتی اتفاق افتاده که ساخت مجتمع فرهنگی ورزشی در شهر شنبه توسط حسین ماهینی بازیکن پرسپولیس تهران با اعتبار ۸۰ میلیون تومان یکی از این موارد است. وی اضافه کرد: با حمایت آیت الله حسینی بوشهری نیز مجتمع قرآنی با اعتبار بیش از ۱۳۰ میلیون تومان در حال احداث است.

جمعی از رزمندگان بوشهر در بازدید از مناطق جنگی

